



وَقَدْ لَقِيتُ فِي عَذَابٍ مُتَسَاوِينَ

خانه بهشتی حجت الاسلام دکتر محمد داودی

تقدیم به روح بزرگ امام خمینی علیه السلام و خلف صالحش که با برپایی
انقلاب اسلامی زمینه را برای اقامه نماز فراهم آوردند و تقدیم به
همه شهیدان انقلاب اسلامی به ویژه پدر بزرگوارم

نام کتاب: خانه بهشتی
 نویسنده: دکتر محمد داودی
 گرافیکست: محمد حسین مؤیدی
 ویراستار: هادی عجمی
 کاری از: مرکز تخصصی نماز ستاد اقامه نماز
 انتشاراتی ستاد اقامه نماز
 ناشر: مؤسسه فرهنگی
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۲
 شابک: ۹۶۴-۵۳۷-۰۹۱-۳
 چاپ و صحافی: ۹۷۱-۹۶۴-۵۳۷-۰۹۱-۳
 قیمت: ۱۱۱۹۶۶۶۶۶
 مراکز پخش:
 ۱- تهران/ میلان فلسطین/ انتشارات ستاد اقامه نماز
 ۱۱۱۹۶۶۶۶۶ - ۱۱۹۰۰۰۵۹
 ۲- دفتر ستاد اقامه نماز سراسر کشور
 تلفن: ۱۱۹۰۰۰۵۹ - ۱۱۱۹۶۶۶۶۶



ستاد اقامه نماز
 مرکز تخصصی نماز

فهرست

۱۰	مقدمه
۱۴	فصل اول: نماز و خانواده
۱۴	یک. نماز
۱۴	الف) اهمیت و جایگاه نماز در قرآن و روایات
۱۶	۱. نماز به منزله سر برای اسلام
۱۶	۲. نماز به منزله ستون خیمه اسلام
۱۷	۳. نماز به منزله چهره اسلام
۱۸	۴. نماز به منزله ترازو
۱۹	۵. نماز به منزله چشمه‌ای پاک‌کننده
۱۹	ب) آثار و برکات اقامه نماز در قرآن و روایات
۲۰	۱. بازداشتن از گناهان و جرایم فردی و اجتماعی
۲۳	۲. گرایش دادن به امور پسندیده
۲۴	۳. منبع آرامش
۲۶	۴. منبع قدرت و شجاعت
۲۸	۵. نردبان عروج و تقرب
۲۸	۶. منبع لذت و نشاط روحانی
۳۰	ج) نماز مقبول و آداب و شروط آن
۳۰	۱. خشوع و خضوع
۳۱	۲. تقوا
۳۱	۳. پرهیز از مال حرام
۳۱	۴. حضور قلب
۳۲	۵. پرهیز از کسالت و بی‌نشاطی در نماز
۳۲	دو. خانواده
۳۲	الف) جایگاه خانواده در اسلام
۳۳	۱. خانواده اولین گام به سوی دیگر دوستی
۳۴	۲. خانواده مایه آرامش، کانون محبت و بستر رشد دینی
۳۷	۳. خانواده کانون آموزش و اقامه نماز





فصل دوم: نقش والدین در ترغیب فرزندان به نماز

- ۴۲ یک. نقش زمینه سازی
۴۲ راه های فراهم کردن زمینه مناسب
۴۳ دو. نقش الگویی
۵۷ الف) راهکارهای تصحیح و تقویت نقش الگویی خانواده
۶۱ ب) موانع ایفای نقش الگویی خانواده
۶۶ سه. نقش آموزشی
۷۲ موانع ایفای نقش آموزشی
۷۴ چهار. نقش نظارتی و مراقبتی
۷۷ الف) صلاحیت های لازم برای نظارت و مراقبت
۷۸ ب) روش نظارت و مراقبت
۸۲ ج) آسیب شناسی نظارت و مراقبت
۸۹

فصل سوم: اصول هدایت و راهنمایی فرزندان به نماز

- ۹۴ یک. اصل زمینه سازی
۹۴ دو. اصل جامعیت
۹۵ سه. اصل رفق و مدارا
۹۶ چهار. اصل تدریج
۹۸ پنج. اصل تسهیل
۱۰۰ شش. اصل اعتدال
۱۰۳ هفت. اصل تفرد
۱۰۵ هشت. اصل هماهنگی
۱۰۶ نه. اصل تداوم و استقامت
۱۰۸ ده. اصل کرامت
۱۰۹ یازده. اصل نظارت و مراقبت
۱۱۰

فصل چهارم: روش ها و راهکارهای عام در دعوت به نماز

- ۱۱۴ یک. اعطای بینش
۱۱۴ دو. پاسخ به شبهات
۱۱۸ نمونه ای از شبهات
۱۱۹

۱۲۲	سه. ترغیب و ترهیب
۱۲۵	الف) انداز و تبشیر
۱۲۸	ب) تبیین جایگاه عمل
۱۲۹	چهار. جذاب سازی نماز
۱۳۰	پنج. تشویق و تنبیه
۱۳۱	الف) مفهوم شناسی تشویق و تنبیه
۱۳۲	ب) انواع تشویق و تنبیه
۱۳۵	ج) شرایط تشویق و تنبیه
۱۴۱	د) شیوه های تشویق
۱۴۵	ه) شیوه های تنبیه
۱۵۵	شش. معرفی الگوهای اهل نماز
۱۶۰	هفت. قصه و داستان گویی
۱۶۱	هشت. تهیه فیلم های مناسب
۱۶۴	فصل پنجم: روش ها و راهکارهای خاص در دعوت به نماز
۱۶۴	یک. دوره کودکی اول
۱۶۴	الف) ویژگی های روانشناختی دوره کودکی اول (قبل هفت سال)
۱۶۸	ب) روش های ویژه دوره کودکی اول: فراهم آوردن زمینه مساعد
۱۷۶	دو. دوره کودکی دوم
۱۷۶	الف) ویژگی های روانشناختی دوره کودکی دوم (هفت تا دوازده سال)
۱۸۱	ب) روش های ویژه دوره کودکی دوم: آموزش و درونی کردن
۱۹۴	سه. دوره نوجوانی
۱۹۴	الف) ویژگی های روانشناختی دوره نوجوانی (دوازده تا هجده سال)
۱۹۷	ب) روش های ویژه دوره نوجوانی
۲۰۴	فصل ششم: موانع گرایش و پایبندی فرزندان به نماز
۲۰۴	الف) موانع درونی گرایش به نماز
۲۰۵	یک. ضعف ایمان به خدا و معاد
۲۰۶	دو. جهل و غفلت
۲۰۷	سه. ضعف اراده





۲۰۹	چهار. لجاجت
۲۱۳	پنج. تنبلی
۲۱۵	شش. تسويف
۲۱۷	هفت. گناه و شهوترانی
۲۱۹	هشت. خجالت
۲۲۰	ب) موانع بیرونی گرایش به نماز
۲۲۱	یک. جامعه
۲۲۵	دو. تهاجم فرهنگی
۲۳۱	سه. بد عمل کردن دینداران
۲۳۴	کتابنامه



مقدمه

نماز عبادتی مهم و از ارکان پنج‌گانه دین اسلام است. نماز از چنان اهمیتی برخوردار است که قبول یا رد شدن دیگر اعمال به آن بستگی دارد. نماز ستون خیمه دین، رأس اسلام و صورت و ویتترین دین است. به همین جهت، در آموزه‌های دینی بر اقامه نماز بسیار تأکید شده. خداوند متعال یکی از ویژگی‌های حکومت مؤمنان را اقامه نماز می‌داند؛ "الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ"¹.

نظام جمهوری اسلامی که ثمره و نتیجه تلاش‌ها و مجاهدت‌های طاقت‌فرسا و طولانی مؤمنان به رهبری امام خمینی ره و پس از وی به رهبری پرورش‌یافته وی، مقام معظم رهبری است، یکی از دلمشغولی‌هایش اقامه نماز در جامعه اسلامی ایران است. این دغدغه در قالب سازمانی‌اش منجر به شکل‌گیری ستاد اقامه نماز شده است. از طرفی یکی از راهکارهای اقامه نماز در جامعه و بسط و گسترش آن، توانمند کردن خانواده‌ها در امر اقامه و آموزش نماز است. این راهکار، البته، برگرفته از متون دینی است؛ زیرا در آموزه‌های دینی و در روایات متعددی بر مأموریت والدین در آموزش نماز به فرزندان بسیار تأکید شده است. از آنجا که توانمندی خانواده‌ها مشروط به آموزش آنهاست و آموزش نیز نیازمند متن است، این متن به منظور تبیین و توضیح اصول و شیوه‌های آموزش نماز به فرزندان فراهم آمده است.

در فصل اول اهمیت و جایگاه، آثار و برکات اقامه نماز و از طرفی جایگاه خانواده در اسلام و نقش آن در آموزش و اقامه نماز بیان شده است. در فصل دوم، نقش والدین در ترغیب فرزندان به نماز، شامل نقش زمینه سازی، الگویی، آموزشی، نظارتی و مراقبتی توضیح داده شده است. فصل سوم به اصول هدایت و راهنمایی فرزندان به نماز و فصل چهارم به روش ها و راهکارهای عام در دعوت به نماز، اختصاص یافته است. در فصل پنجم روش ها و راهکارهای خاص دعوت به نماز بررسی شده است. در این فصل روش های ویژه دوره پیش از دبستان، دوره دبستان و دوره دبیرستان به صورت جداگانه بیان شده است. فصل ششم به موانع گرایش و پابندی فرزندان به نماز پرداخته است.

در اینجا لازم می دانم از جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد کاظمی به دلیل مساعدت و یاری در تدوین این کتاب و نیز از حجت الاسلام والمسلمین هادی دهقانی به دلیل همکاری در تدوین بخشی از این اثر تشکر کنم. همچنین لازم می دانم از مرکز تخصصی نماز که مقدمات تدوین این اثر را فراهم کردند، به ویژه از جناب حجت الاسلام والمسلمین هادی عجمی به دلیل پیگیری های مجدانه و در اختیار قرار دادن منابع مورد نیاز تشکر کنم. امید است که این متن تأثیری هرچند اندک در پیشبرد اقامه نماز داشته باشد و مقبول درگاه الهی واقع شود.

محمد داودی
شهر مقدس قم
پاییز ۱۳۹۲



فصل اول

نماز و خانواده

در این فصل به اختصار در مورد دو موضوع "نماز" و "خانواده" نکاتی را بیان کنیم. از جمله جایگاه این دو در اسلام و نقش خانواده در اقامه نماز.



فصل اول: نماز و خانواده

از آنجا که موضوع نوشتار اقامه نماز در محیط خانواده است، لازم است در ابتدا به اختصار در مورد دو موضوع "نماز" و "خانواده" نکاتی را بیان کنیم.

یک. نماز

الف) اهمیت و جایگاه نماز در قرآن و روایات

نماز یکی از مهم‌ترین عبادات اسلامی است که هر مسلمان موظف است در شبانه‌روز پنج بار آن را به جا آورد. بیش از ۱۲۲ آیه از قرآن کریم درباره نماز است که این خود دلالت بر اهمیت این دستور الهی دارد. جایگاه نماز چنان رفیع است که همه پیامبران علیهم‌السلام الهی به انجام آن سفارش کرده و در همه لحظات زندگی به آن عنایت داشته‌اند. حضرت ابراهیم علیه‌السلام به منظور اقامه نماز، همسر و کودک دلبند خویش را که خداوند بعد از سال‌ها انتظار به وی عطا کرده بود، در بیابانی خشک و بی‌آب ساکن می‌کند تا در آنجا نماز را برپا دارند؛ "رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ ...".^۱ با این حال از خداوند تقاضا دارد تا او و فرزندانش را از اقامه‌کنندگان نماز قرار دهد؛ "رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي".^۲ حضرت موسی علیه‌السلام

۱. ابراهیم: ۳۷.

۲. ابراهیم: ۴۰.

نیز مأمور به اقامه نماز است؛ "اقم الصلوه لذكری".^۱ چنان که حضرت عیسیٰ علیه السلام به این صورت به نماز توصیه شده است: "وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا"^۲؛ خداوند مرا به نماز و زکات، تا زمانی که زنده‌ام، توصیه کرده است.

خداوند متعال تنها خود پیامبران الهی علیهم السلام را مأمور به اقامه نماز نکرده است؛ بلکه از آنان خواسته تا دیگران را نیز به اقامه نماز دعوت کنند. خداوند در قرآن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می دهد خانواده خود را به نماز دعوت و بر آن پایداری کند؛ "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا"^۳. چنان که لقمان حکیم فرزندش را به اقامه نماز توصیه می کند؛ "یا بنی اقم الصلوه و امر بالمعروف و انه عن المنکر"^۴. پیشوایان الهی حتی در آخرین لحظات زندگی نیز از دعوت مردم به نماز دست نمی کشیدند. امام صادق علیه السلام می فرماید: "أحب الأعمال إلى الله عز و جل الصلوه و هی اخر وصایا الأنبیاء"^۵؛ نماز دوست داشتنی ترین کارها نزد خداوند و آخرین وصیت های پیامبران الهی است.

در روایات پیشوایان دینی جایگاه نماز با تعابیر زیبایی بیان شده است؛ مانند:

۱. طه: ۱۴.

۲. مریم: ۳۱.

۳. طه: ۱۳۲.

۴. لقمان: ۱۷.

۵. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۷.





۱. نماز به منزله سر برای اسلام

در برخی روایات جایگاه نماز در اسلام جایگاه سر برای بدن تلقی شده است. پیامبر ﷺ فرمودند: "لیکن اکثر همك الصلاة فانها رأس الاسلام بعد الاقرار بالدين"؛^۱ همانا بیشتر اهتمامت بر نماز باشد که بعد از ایمان، به منزله سر اسلام است. مطابق این روایت، چنان که بدن نمی تواند بدون سر به حیات خود ادامه دهد، اسلام هم بدون نماز زنده نمی ماند و از میان می رود. پس کسی که ادعای مسلمانی بکند ولی نماز نخواند، مسلمانی او نیز به تدریج پژمرده می شود و از میان می رود و آنچه در او باقی می ماند جسد اسلام است. همچنان که از جسد انسان امید حرکت و نشاط و فعالیت و تأثیر نمی رود، از جسد اسلام نیز چنین انتظار نخواهد بود.

۲. نماز به منزله ستون خیمه اسلام

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمده است: "الصَّلَاةُ عَمُودُ دِينِكُمْ"^۲. در این حدیث دین اسلام به خیمه تشبیه شده است. خیمه بر ستونش استوار است، به گونه ای که اگر ستون آن استوار و محکم باشد، خیمه نیز محکم و پابرجا خواهد بود و اگر ستونش لرزان و سست باشد، خیمه نیز لرزان شده با اندک حرکت و نسیمی به لرزه می آید و از میان می رود. دینداری مسلمان نیز بر نمازش استوار است. مسلمان اگر به نمازش

۱. همان، ج ۵، ص ۳۶۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹.

پایبند باشد و در ادای نماز محکم و استوار باشد، دین او نیز محکم و استوار خواهد بود و در غیر این صورت، لرزان و ضعیف و کم‌رمق. امام باقر علیه السلام در روایتی این مطلب را شرح داده و فرموده‌اند: "الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْقُسْطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَتِ الْأَوْتَادُ وَالْأُتُنَابُ وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدَّ وَلَا طُنْبُ"؛ نماز ستون دین است. مثل آن مثل ستون خیمه است که اگر ستون محکم باشد، میخ‌ها و طناب‌ها محکم می‌مانند و اگر ستون کج شود و بشکند، نه میخی استوار می‌ماند و نه طنابی.

۳. نماز به منزله چهره اسلام

در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: "لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ"؛ هر چیزی چهره‌ای دارد. چهره دین شما نماز است. پس (مراقب باشید) کسی از شما چهره دینش را زشت نگرداند. در این روایت نماز چهره دین اسلام معرفی شده است. چهره و صورت هر چیز معرّف و متمایزکننده آن از دیگر چیزهاست و معمولاً صورت زیباترین و مهم‌ترین قسمت هر چیزی است که در معرض دید دیگران است. بدین ترتیب، نماز زیباترین و مهم‌ترین بخش دین اسلام است که در معرض نمایش قرار دارد و با توجه به آن درباره دین قضاوت می‌شود. اگر کسی به نماز پایبند نباشد، گویا دینی

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.





ندارد و کسانی که به نماز پایبند هستند، کیفیت نماز گزاردن آنان نشان دهنده چگونگی دینداریشان است. اگر نماز را به وقتش و زیبا ادا کنند، نشانه آن است که به دین خود کاملاً پایبندند و دینداری آنان نیکوست؛ اما اگر به نماز خود اهمیتی ندهند یا فقط در حد رفع تکلیف به آن پردازند، نشانه آن است که به دیگر دستورات دینی نیز اهمیتی نمی دهند. از این جهت است که پیامبر ﷺ در ادامه روایت، مؤمنان را سفارش می کند که مراقب باشند و چهره دینشان را زشت و نفرت انگیز نکنند. به عبارت دیگر، نماز شاخص دین است.

۴. نماز به منزله ترازو

چنان که گفتیم، نماز شاخص دین است و با توجه به میزان پایبندی يك مسلمان به نماز و چگونگی ادای آن می توان درباره میزان و چگونگی دینداری او داوری کرد. در برخی روایات نماز به منزله ترازویی دانسته شده که میزان ارزش اعمال دینی فرد با آن سنجیده می شود. پیامبر ﷺ فرمودند: " الصَّلَاةُ مِيزَانٌ مَنْ وَفَّى اسْتَوْفَى "؛ نماز ترازو است. کسی که آن را کامل به جا آورد، (پاداشش را) کامل می گیرد. بر اساس این روایت، نماز نه تنها شاخص دینداری هر مسلمان، بلکه میزان سنجش اعمال او در روز قیامت نیز هست و بر اساس آن درباره او قضاوت می شود. روایتی از امام صادق (ع) نیز مؤید همین معناست: "أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا

رُدَّتْ رُذَّةٌ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ"؛^۱ (در قیامت، هنگام حسابرسی اعمال بندگان) نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می شود نماز است. پس اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگرش نیز پذیرفته می شود و اگر رد شود، بقیه اعمال او هم رد می شود.

۵. نماز به منزله چشمه ای پاک کننده

در برخی روایات، نماز به چشمه ای زلال و پاکیزه تشبیه شده است که مؤمن هر روز پنج بار روح خود را در آن شستشو می دهد. با این کار، آلودگی های گناهان و اثر آنها را برطرف می کند و روح خود را جلا و درخشندگی می بخشد. پیامبر ﷺ می فرماید: "إِنَّمَا مَثَلُ هَذِهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ مَثَلُ نَهْرٍ جَارٍ بَيْنَ يَدَيَّ بَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ فِي الْيَوْمِ خَمْسَ اغْتِسَالَاتٍ فَكَمَا يَنْقَى بَدَنُهُ مِنَ الدَّرَنِ يَتَوَاتَرِ الْغَسْلُ فَكَذَا يَنْقَى مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ مُدَاوَمَتِهِ الصَّلَاةَ فَلَا يَبْقَى مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ"؛^۲ همانا مثل این نمازهای پنج گانه مثل چشمه ای جاری روبه روی در خانه یکی از شماهاست که هر روز پنج بار خود را در آن می شوئید. چنان که با شستشوی پی در پی بدنش از آلودگی ها پاک می شود، با پی در پی خواندن نماز نیز گناهان او از میان می رود.

ب) آثار و برکات اقامه نماز در قرآن و روایات

دین برنامه زندگی و راه رسیدن به رستگاری و سعادت است. هر يك

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۲۲.





از دستورات اسلامی، به ویژه عبادات، نقشی بی بدیل در تحقق این هدف دارد. بدیهی است نماز که در میان عبادات اسلامی جایگاهی ویژه دارد، آثار و برکات مهمی در روح و روان و زندگی نمازگزار برجای می‌گذارد و همین آثار است که او را به تدریج، رستگار و سعادتمند می‌کند. در ادامه، مهم‌ترین آثار و برکات نماز را که در متون دینی به آن اشاره شده است، بیان می‌کنیم.

۱. بازداشتن از گناهان و جرایم فردی و اجتماعی

مهم‌ترین عامل گمراهی و بدبختی انسان از نظر قرآن روحیه سرکشی و طغیان در برابر خدا و سرپیچی از دستورات اوست. ثمره سرپیچی از اطاعت خدا چیزی نیست جز رو آوردن به آنچه قرآن آن را فحشا و منکر و بغی معرفی و بنی آدم را از آنها نهی کرده است. علامه طباطبایی بر آن است که فحشا به معنای کار بسیار زشت و منکر به معنای کاری است که مردم آن را زشت و ناپسند تلقی می‌کنند و بغی ظلم و ستم بر دیگران است. بنابراین، این سه عنوان همه اعمال ناشایست را در بر می‌گیرد.^۱ رفتارهایی که مشمول این سه عنوان هستند نه تنها گناه و سرپیچی از دستورات خداوند متعال به شمار می‌روند، بلکه مخالفت با عرف و رفتارهایی ناپه‌نجار و جرم نیز تلقی می‌شوند و این مطلب به ویژه با توجه به معنای "منکر"؛ یعنی عملی که جامعه آن را نمی‌پذیرد و ناپسند می‌داند، روشن‌تر می‌شود.

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ص ۴۸۰.

به هر حال، یکی از آثار مهم نماز، چنان که در قرآن به آن تصریح شده است، باز داشتن نمازگزار از گناهان و جرائم فردی و اجتماعی است: "أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ"؛ نماز را برپا دار که نماز از فحشا و منکر باز می دارد. بر این اساس، نماز برای نمازگزار در حکم يك ناهی از منکر و در حکم يك ضابط و ناظر است که پیوسته او را از ارتکاب گناه و تخلف از دستورات دینی باز می دارد و افزون بر این، در حکم پلیسی درونی مانع ارتکاب جرائم فردی و اجتماعی مانند دزدی، کم فروشی، خیانت و کم کاری می شود. اگر خانواده ای فرزند خود را اهل نماز تربیت کند، گویی مربی و ناظری دینی و پلیسی در وجود او گماشته که پیوسته ناظر و مراقب اوست تا مبادا گناهی یا جرمی مرتکب شود.

از آنچه گفتیم به این نتیجه می رسیم که از نظر قرآن، رابطه میان نماز از يك سو جرم و از سوی دیگر، رابطه مستقیم اما منفی است؛ بدین معنا که هر چه توجه و پایبندی فرد به نماز بیشتر باشد، به همان اندازه از گناهان دور می شود؛ در مقابل، هر چه به گناهان نزدیک شده و به آنها علاقه و دلبستگی بیشتری پیدا شود، به همان اندازه از توجه و اهتمام ما به نماز کم می شود. این حالت بسیار خطرناک است؛ به گونه ای که برای بعضی افراد بر اثر آلوده شدن به گناهان، نماز بی مفهوم می شود و به تدریج آن را ترك می کنند و روز به روز در





گرداب گناهان بیشتر فرو می‌روند.

البته باید توجه داشت که باز داشتن از فحشا و منکر، اثر طبیعی نماز است؛ علامه طباطبایی در این باره می‌فرمایند:

"نماز توجه خاصی است از بنده به سوی خدای سبحان، لیکن این اثر تنها به مقدار اقتضا است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند. نه! بلکه اثرش به مقدار اقتضا است؛ یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می‌بخشد و نمازگزار را از فحشا باز می‌دارد. ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند و در نتیجه نمازگزار آن کاری را می‌کند که انتظارش را از او ندارند. یاد خدا و موانعی که از اثر او جلوگیری می‌کنند، مانند دو کفه ترازو هستند. هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی‌کند و هر جا کفه آن موانع چربید، کفه یاد خدا ضعیف می‌شود و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می‌گردد و گناه را مرتکب می‌شود."^۱

بنابراین، اگر دیده می‌شود که برخی افراد با آنکه اهل نماز هستند، مرتکب گناه می‌شوند، نه بدین معناست که نماز بازدارنده از فحشا و منکر نیست؛ بلکه این افراد موانع تأثیر نماز را برطرف نکرده‌اند. اگر این موانع برطرف شد، آنگاه آثار نماز را در وجود آنها مشاهده خواهیم کرد.

۱. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ص ۲۰۱.

۲. گرایش دادن به امور پسندیده

آنچه در بالا درباره نماز گفتیم، جنبه سلبی، یعنی جنبه بازدارندگی آن بود؛ اما اثر نماز محدود به بازدارندگی نیست. نماز افزون بر بازدارندگی، اثر وادارندگی نیز دارد. هم نمازگزار را از زشتی‌ها باز می‌دارد، هم او را به زیبایی‌ها فرا می‌خواند. به دیگر سخن، نماز هم آمراست و هم ناهی؛ آمر به نیکی‌ها و ناهی از بدی‌ها. چنان‌که هم تنفر ساز است و هم علاقه ساز؛ نمازگزار را از رفتارهای ناپسند متنفر و به رفتارهای پسندیده علاقه‌مند می‌کند؛ زیرا نماز ارتباط با خداوندی است که سرچشمه همه خوبی‌ها، دوستدار فضائل و دشمن زشتی‌ها و رذایل است؛ خداوندی که پی‌درپی پیامبرانی فرستاده تا انسان را از گمراهی زشتی‌ها و پلیدی‌ها و منجلا بفساد به سوی بهشتِ زیبایی‌ها، پاکیزگی‌ها و رفتارهای شایسته هدایت کنند. ارتباط با چنین خدایی انسان را به نیکی‌ها فرا می‌خواند. همچنین نمازگزار در نماز از خدا می‌خواهد او را به راه راست، راه راستگویان، شهدا و صالحان، هدایت کند. به علاوه، خود نماز نیز به گونه‌ای طراحی شده است که نمازگزار را به خوبی‌ها و زیبایی‌ها وادار می‌کند. نمازگزار باید برای نماز وضو بگیرد و بدن و لباسش را از آلودگی‌ها پیراسته کند؛ لباس و مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی نباشد؛ نماز را باید در اوقات مشخصی بخواند و شایسته است که آن را به جماعت ادا کند. این ظرافت‌ها و نکات دیگری که در نماز گنجانده شده، همگی درس فضیلت و کارگاه





تمرین و تکرار نیکی‌ها و فضیلت‌هاست. فضایی همانند پاکیزگی بدن و لباس، رعایت حقوق مردم، وقت‌شناسی، ارتباط صحیح و حضور مؤثر در جامعه. بدین‌رو نماز تنها یک عمل عبادی خشک و درون‌تهی نیست؛ بلکه مدرسه و برنامه تربیتی جامع و پرباری است که رفتارهای شایسته و زیبا را در پی دارد. شاید به همین سبب بود که مشرکان هنگام جدل با حضرت شعیب علیه السلام، به این مطلب، هر چند از روی تمسخر، اشاره کرده، به او گفتند: "يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ"؛^۱ ای شعیب، آیا نمازت تو را فرامی‌خواند که ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، یا از دخل و تصرف دلخواه، در اموالمان باز داری؟

۳. منبع آرامش

آرامش روحی و روانی یکی از نیازهای انسان عصر حاضر است؛ زیرا ریشه بسیاری از بیماری‌های روحی بشر در دوران معاصر اضطراب و نگرانی است و به همین سبب بازار روانپزشکان و روانشناسان نیز رونق دارد. اسلام، گرچه مؤثر بودن معالجات و دستورالعمل‌های این متخصصان را فی‌الجمله می‌پذیرد؛ اما داروی شفابخش نگرانی و دلهره و اضطراب روحی انسان را، یاد خدا می‌داند که "أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"؛^۲ آگاه باشید که تنها یاد خدا آرامش بخش دل‌هاست. و از سوی دیگر، نماز

۱. هود: ۸۷.

۲. رعد: ۲۸.

را بهترین وسیله برای ذکر و یاد خدا می‌داند: "اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي"^۱. اضطراب و دلهره یا معلول ترس است یا اندوه و ناراحتی و مطابق آیات الهی مؤمن نمازگزار نه ترسی براو چیره می‌شود، نه اندوهی براو سایه می‌افکند. "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"^۲.

"الکسیس کارل" می‌گوید: "دعا و نماز قوی‌ترین نیرویی است که قوه جاذبه وجود حقیقی و خارجی دارد. در حرفه پزشکی خود، من مردانی را دیده‌ام که پس از آنکه تمام معالجات دیگر در حال آنان مؤثر واقع نشده بود، به نیروی دعا و عبادت از بیماری و مالیخولیا رهایی یافتند. دعا و نماز چون رادیوم، یک منبع نیروی مشعشی است که خود به خود تولید می‌شود."^۳ همچنین تحقیقات مختلفی که نشان‌دهنده رابطه مثبت دینداری با سلامت روان است، نیز مؤید این معناست.

بنابراین، فرزندان ما اگر اهل نماز و راز و نیاز با خدا باشند دل‌هایشان لبریز از آرامش شده، ترس و اندوهی بر آنها مسلط نخواهد شد.

۱. طه: ۱۴.

۲. بقره: ۲۷۷.

۳. نماز در سیمای خانواده، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱.





۴. منبع قدرت و شجاعت

یکی از سنت‌های الهی این است که انسان برای دستیابی به اهداف خود باید کوشش کند و فعالیت‌های لازم را انجام دهد؛ اما کوشش و فعالیت نیاز به قدرت دارد و اگر هدف مورد نظر، بلند و تا اندازه‌ای دور از دسترس باشد، نیاز به شجاعت و جسارت نیز دارد. قدرت انسان از چندین منبع سرچشمه می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: اعضا و جوارح، بدن قوی، روحیه بانشاط، فعال و خستگی ناپذیر، خانواده قدرتمند، مال و ثروت فراوان، دوستان دارای نفوذ و جایگاه مهم اجتماعی. هر چه فرد دسترسی بیشتری به این منابع قدرت داشته باشد، از توانایی بیشتری برخوردار است و اهداف بلندتری را می‌تواند برای خود در نظر بگیرد و به آنها نایل شود.

اما همه این منابع قدرت محدود و فناپذیرند؛ زیرا این قدرت‌ها وابسته به منبع دیگری هستند که آن خداوند متعال است. بنابراین، بهترین راه برای کسب قدرت و به دست آوردن شجاعت و جسارت لازم برای اقدام به کارهای خطیر و دست یافتن به قله‌های بلند، ارتباط با خدا و وصل شدن به منبع بی‌پایان قدرت است. به همین سبب، خداوند متعال به مؤمنان توصیه می‌کند در موارد دشوار که از همه اسباب و قدرت‌های دنیایی ناامید شده‌اند، به نماز چنگ بزنند: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ"؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید

از صبر و نماز استعانت جویید که خدا با صابران است. چرا که نماز راهی است برای کسب نیرو از منبع بی نهایت. به همین جهت درباره پیامبر ﷺ نقل شده است هرگاه وضعیت، پیچیده می شد و کار بر حضرت سخت می گردید، به نماز پناه می برد.^۱ در آیه ای دیگر راز این نیروبخشی نماز را چنین بیان می کند: "قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ"؛^۲ خداوند گفت من با شما هستم اگر نماز را بر پا دارید.

یکی از ثمرات ارتباط با خداوند و کسب قدرت از او، این است که نمازگزاران در مواجهه با سختی ها و مشکلات طاقت فرسا که دیگران را به بی تابي و جزع و فزع و رفتارهای نسنجیده وامی دارد، همچون کوه استوار می مانند؛ شکیبایی پیشه می کنند و دچار دستپاچگی و اضطراب و رفتارهای نامعقول نمی شوند. "إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا. إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ"؛ (انسان، حریص و کم طاقت آفریده شده) هنگامی که بدی به او رسد بی تابي می کند و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود، مگر نمازگزاران. آنها که نماز را پیوسته به جا می آورند.^۳

بدین ترتیب، اگر فرزندانمان را به ادای نماز و ارتباط با خداوند آشنا کنیم، او را به منبع قدرت که به او نیرو و شجاعت می دهد، متصل کرده ایم.

۱. روی آن رسول الله ﷺ: "كان إذا حزبه أمر فزع إلى الصلاة" (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۲).

۲. مائده: ۱۲.

۳. (معارف: ۲۳-۱۹)





۵. نردبان عروج و تقرب

هدف از آفرینش انسان رسیدن به مقام عبودیت است و کسی که به این مقام رسیده باشد، به خدا تقرب پیدا کرده است. نزدیک شدن به درگاه خداوند متعال نیاز به وسیله‌ای دارد که انسان را از قعر چاه ظلمت مادیت به آسمان روشن قرب بارگاه الهی بالا کشد. شناخت و ایمان به خداوند همراه با التزام به دستورات او ابزار و نردبان این برآمدن و پرواز است. از آنجا که این امور همگی در نماز جمع شده‌اند و در واقع نماز جلوه‌گاه معرفت و ایمان و التزام به لوازم آن است و افزون بر آن، راز و نیاز و ارتباط مستقیم روح مؤمن با معبود است، در روایات نماز وسیله تقرب به خدا معرفی شده است: "الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ". در برخی روایات نیز آن را وسیله پرواز و اوج گرفتن روح به سوی بارگاه قرب الهی دانسته‌اند: "الصلاة معراج المؤمن"^۲.

۶. منبع لذت و نشاط روحانی

لذت‌هایی که انسان در زندگی دنیا به دنبال آن است دو گونه‌اند: لذت‌های جسمانی و لذت‌های معنوی. لذت‌های معنوی در مقایسه با لذت‌های جسمانی ارزش و دوام بیشتری دارند و به رشد و کمال انسان کمک می‌کنند. یکی از لذت‌های معنوی و روحانی لذتی است که از راز و نیاز با خداوند متعال نصیب روح انسان می‌شود. این لذت

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵.

۲. جزائری، کشف الاسرار، ج ۲، ص ۶۷۶.

چنان عمیق و جذاب است که اگر کسی يك بار آن را تجربه کرده و چشیده باشد، برای همیشه به دنبال آن خواهد بود.

به همین سبب، پیامبر اسلام ﷺ نماز را نور چشم خود می داند؛ "قره عینی فی الصلوه"؛ و در روایتی دیگر، آن را معشوقه ای توصیف می کند که شیرینی هم صحبتی با او هر سختی ای را گوارا می سازد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: "حَبَّيْهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَّبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمْآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ وَ الظَّمْآنُ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ"؛^۱ خداوند نماز را محبوب من گردانیده است، چنان که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه محبوب کرده است. گرسنه هرگاه غذا بخورد سیر و تشنه هرگاه آب بخورد، سیراب می شود ولی من از نماز سیر نمی شوم. به همین جهت است که در نماز تیر از پای امیرالمؤمنین علی عليه السلام می کشند و او متوجه نمی شود. راز اینکه در شرح حال برخی از صحابه آمده است که گاه يك شب را تا صبح در سجده به ذکر مشغول بودند و شب دیگر تا صبح در رکوع به ذکر مشغول بودند و خسته نمی شدند، همین است که آنان چنان از ذکر و تسبیح و سجده و رکوع و مناجات با خدا سرشار از لذت می شدند که متوجه خستگی و گذشت زمان نمی شدند.^۳

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۷۹، ص ۲۳۳.

۳. حلی، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین عليه السلام، ص ۱۱۸.





ج) نماز مقبول و آداب و شروط آن

نماز، مانند هر عبادت دیگر، ظاهری دارد و باطنی؛ روحی دارد و جسدی. ظاهر نماز و جسد آن همین اعمال و اذکار ظاهری است و باطن و روح آن توجه و حضور قلب و خضوع و خشوع است. نماز در صورتی آثار و برکات پیش گفته را به صورت کامل به نمازگزار هدیه می دهد که زنده و با روح باشد و تنها ظاهر و جسد نماز نباشد. در ادامه، مهم ترین آداب و شروط نماز را به اختصار بیان می کنیم:

۱. خشوع و خضوع

یکی از آداب و شروط نماز، خضوع و خشوع نمازگزار است. پیامبر ﷺ فرمود:

"نماز بر چهار چیز بنا شده است. سهمی از آن وضوی کامل است و سهمی از آن رکوع و سهمی از آن سجود و سهمی از آن خشوع است. عرض شد: یا رسول الله، خشوع چیست؟ فرمود: این است که بنده در نماز تواضع داشته باشد و با تمام وجود به خداوند رو بیاورد."^۱

۱. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "بُنِيَ الصَّلَاةُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَسْهَمُ سَهْمٌ مِنْهَا إِسْبَاحُ الْوُضُوءِ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الرُّكُوعُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا السُّجُودُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الْخُشُوعُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْخُشُوعُ قَالَ صِ التَّوَاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ وَ أَنْ يُقِيلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ..." (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۶۵).

۲. تقوا

یکی از شروط اصلی مقبولیت نماز در سخن پیامبر ﷺ رعایت تقوای الهی است؛ ایشان فرمودند:

"اگر چنان نماز بخوانید که مانند تار لاغر شوید و چنان روزه بگیرید که مانند کمان خمیده شوید، خداوند جز با ورع و تقوا از شما نمی پذیرد."^۱

۳. پرهیز از مال حرام

پیامبر ﷺ درباره حساسیت و پرهیز از مال حرام می فرماید: "عبادت همراه با خوردن مال حرام مانند ساختمان سازی بر رمل (ماسه بادی) و آب است."^۲

۴. حضور قلب

پیامبر ﷺ در سفارش خود به ابوذر می فرماید:
"دو رکعت نماز با تفکر بهتر از آن است که تمام شب را بدون حضور قلب به عبادت خداوند بپردازد."^۳

۱. قَالَ ﷺ: "وَاعْلَمَ أَنَّكُمْ لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيَا وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأُوتَارِ مَا نَفَعَكُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِوَرَعٍ حَاجِزٍ" (حلی، عده الداعی و نجات الساعی، ص ۲۹۷).
۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ" (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸).

۳. يَا أَبَا ذَرٍّ، رَكَعَتَانِ مُقْتَصِرَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ سَاهٍ (طوسی، امالی، ص ۵۳۳).





همچنین در روایات از مشغول شدن نمازگزار به اعضا و جوارح خویش نهی شده است؛ زیرا این کار با حضور قلب و خشوع و ادب نماز منافات دارد. علی علیه السلام فرمود: "پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که در نماز با ریش خود بازی می کرد. فرمود: اگر حضور قلب و خشوع قلب داشت، اعضا و جوارحش نیز خاشع بودند."^۱

۵. پرهیز از کسالت و بی نشاطی در نماز

امام باقر علیه السلام می فرماید: "در حال کسالت و چرت آلودگی و سنگینی به نماز برخیز که اینها از متعلقات نفاق است و خداوند سبحان مؤمنان را از برخاستن به نماز در حال مستی (یعنی مستی خواب) باز داشته است."^۲

دو. خانواده

الف) جایگاه خانواده در اسلام

خانواده در اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است. خانواده اولین سنگ بنای اجتماع است و هر اندازه این بنا محکم باشد، جامعه استوارتر خواهد بود. خانواده در ساختمان جامعه اسلامی همچون اتم در ساختمان اجسام طبیعی است. در ساختمان اتم، دو جزء اصلی

۱. علی علیه السلام: "أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَبْصَرَ رَجُلًا يَعْثُ بِلَحْيَتِهِ فِي صَلَاتِهِ فَقَالَ إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ" (ابن اشعث، جعفریات، ص ۳۲).

۲. "وَلَا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا وَلَا مُتَنَاعِسًا وَلَا مُتَنَاقِلًا فَإِنَّهَا مِنْ خِلَالِ النَّفَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ نَهَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَقُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَهُمْ سُكَارَى يَعْنِي سُكْرَ النَّوْمِ" (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹).

به نام "الکترون" و "پروتون" وجود دارد که این دو جزء در جذب و انجذاب یکدیگر قرار دارند. پروتون، هسته مرکزی است و الکترون ضمن تکاپوی شبانه روزی همواره بر گرد مرکز خود می چرخد و از حوزه جاذبه آن خارج نمی شود و از آن فاصله نمی گیرد. اگر این دو جزء مکمل از حوزه جذب و انجذاب یکدیگر خارج شوند، نیروی عظیمی رها می شود که می تواند ویرانی های فراوانی به بار آورد. زن و مرد دو جزء مکمل یکدیگر و سازنده اتم "خانواده" هستند. مرد الکترون وار بر محور زن که در حکم پرتون است، می چرخد و از حوزه جذب و انجذاب او خارج نمی شود. زن نیز باید جاذبه وجودی، خود را در کنش شوهر تقویت کند تا این اتم متلاشی نشود. اگر این اتم متلاشی شود و گره یا پیوند خانواده از راه طلاق پاره شود، نیرویی رها می شود که "عرش عظیم" خدا را به لرزه در می آورد. از همین روی، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: "مَا بَنَى بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ"؛ در اسلام هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از بنای ازدواج نیست و می فرماید: "تَزَوَّجُوا وَلَا تُطْلِقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتِزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ"؛ زن بگیرید و طلاق مدهید زیرا عرش از وقوع طلاق می لرزد.^۱

۱. خانواده اولین گام به سوی دیگر دوستی

چرا در اسلام این همه بر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید و امری مقدس تلقی شده با اینکه در اکثر موارد، یکی از انگیزه های ازدواج، ارضای

۱. پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۸۴.





شهوت و کسب لذت است؟ یکی از علل آن این است که ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی دیگر دوستی برمی دارد. تا قبل از ازدواج، فقط "من" وجود داشت و همه چیز برای "من" بود. اولین مرحله ای که این حصار شکسته می شود، یعنی يك موجود دیگری هم در کنار این "من" قرار می گیرد و برای او معنا پیدا می کند، در ازدواج است. هر يك از زن و شوهر کار می کند، زحمت می کشد و خدمت می کند؛ اما نه برای "من" بلکه برای او. پس از آنکه صاحب فرزند می شوند، دیگر "او"، به "آنها" تبدیل می شود و گاهی آنچنان در "آنها" فانی می شود که "من" فراموش می شود. بنابراین، ثمره تشکیل خانواده رشد و شکوفایی يك ارزش اخلاقی است و این یکی از دلایل تقدس ازدواج در اسلام است.

۲. خانواده مایه آرامش، کانون محبت و بستر رشد دینی

یکی از نیازهای اساسی هر انسان داشتن همسری مناسب است که او را از زندان تنهایی آزاد کند، در سختی ها و خوشی ها همراهش باشد، محرم اسرارش باشد و به او تکیه کند. به عبارت روشن تر، هر انسانی نیمه گم شده ای از جنس مخالف دارد که تا او را پیدا نکند، ناقص و ناتمام است و همین او را به تلاش و فعالیت وامی دارد و تنها پس از پیدا کردن آن نیمه گم شده است که به آرامش و سکون می رسد. خداوند در قرآن به این مطلب به صورتی بسیار زیبا اشاره می کند: "و من آیاته

أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...^۱ یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش بیابید.

افزون بر این، از نظر اسلام، خانواده کانون محبت و دوستی است و همین زن و شوهر را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را در سختی‌ها و خوشی‌ها در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد. خداوند در ادامه آیه کریمه می‌فرماید: "وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا مَوَدَّةً وَرَحْمَةً"^۲ و (خداوند) محبت و دوستی بین زن و مرد ایجاد کرد. هنگامی که زن و مرد در کنار یکدیگر در کانون خانواده به آرامش رسیدند و از چشمه بی‌پایان محبت و مودت یکدیگر سیراب شدند، آمادگی و توانایی تلاش و فعالیت در مسیر رشد و کمال معنوی و مادی و دنیوی و اخروی را می‌یابند. بدین صورت، خانواده به منبع لایزال توانایی و گاهواره‌ای برای بالندگی و شکوفایی همسران تبدیل می‌شود. به همین سبب، پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: "مَنْ سَعَادَةُ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ"^۳؛ یکی از عوامل خوشبختی مرد، داشتن همسری صالح است. و در روایت دیگر فرمود: "مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ، تَسْرُّهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، وَتَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا، وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ"^۴؛ مرد مسلمان، پس از

۱. روم: ۲۱.

۲. همان.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

۴. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۳.





نعمت اسلام، سودی برتر از همسر به دست نیاورده است؛ همسری که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید و در غیاب او، حافظ ناموس و مال همسرش باشد.

در آموزه‌های اسلامی بر این مطلب بسیار تأکید شده است که ازدواج و تشکیل خانواده عامل مهمی در رشد و کمال معنوی و دینی همسران است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: "من تزوّج أحرز نصف دینه"^۱؛ هر کس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است. همچنین مطابق برخی روایات، دو رکعت نماز مرد [یا زن متأهل] برتر از عبادت فرد مجردی است که روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را نماز بخواند. امام باقر (ع) می‌فرماید: "الركعتان يصلیهما رجل متزوج أفضل من رجل أعزب یقوم لیلہ و یصوم نهاره"^۲. شاید به همین جهت، امام صادق (ع) یکی از اسباب سعادت را داشتن همسری صالح می‌داند که یار و یاور او در امر دنیا و آخرت باشد.^۳

تجربه نیز، چنان‌که شهید مطهری گفته‌اند، همین مطلب را تأیید می‌کند:

"تجربه‌های قطعی نشان داده است افراد پاکِ مجرّد که برای

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ص ۲۰، ج ۱۷.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۷.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) : «ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵).

اینکه بیشتر به اصلاح نفس خودشان برسند، به این بهانه ازدواج نکرده‌اند و يك عمر مجاهده نفس کرده‌اند، اولاً اغلبشان در آخر عمر پشیمان شده‌اند. و ثانیاً با این که واقعاً عالم بودند، در فقه و اصول مجتهد بودند، حکیم و فیلسوف بودند، عارف بودند، اما تا آخر عمر و مثلاً در هشتاد سالگی، هنوز يك روحیه کودکی و جوانی و نوعا خامی‌هایی در اینها وجود داشته است. مثلاً مشاهده می‌شود که يك حالت سبکی خاصی که گاهی يك جوان دارد، در این آدم هشتاد ساله هست. این نشان می‌دهد که نوعی پختگی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، نه در مدرسه، نه در جهاد با نفس، نه با نماز شب و نه با ارادت به نیکان.^۱

۳. خانواده کانون آموزش و اقامه نماز

چنان که پیش از این گفتیم، خانواده جلوه‌گاه دیگر دوستی، مایه آرامش، کانون مهر و محبت و میدان رشد و کمال است. خانواده با این ویژگی‌ها بهترین محیط برای اقامه نماز و بهترین محیط برای آموزش نماز به فرزندان است. زن و شوهر همان‌گونه که برای رشد و کمال و سعادت خود تلاش می‌کنند و در این راه یار و یاور یکدیگر هستند، به صورت طبیعی دوستدار رشد و کمال و سعادت فرزندان خود، که میوه زندگی مشترك آنان و ادامه وجودی آنانند، نیز هستند و برای رشد

۱. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۷۷.





و کمال آنان از هیچ کوششی دریغ ندارند. به همین سبب، اسلام در هدایت فرزندان به سوی نماز و آموزش نماز به آنان، والدین را مسئول دانسته و این وظیفه را در درجه اول به عهده آنان گذاشته‌اند.

خداوند متعال در قرآن از پیامبر ﷺ می‌خواهد تا خانواده خود را به نماز امر و بر آن پایداری کند؛ "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا"^۱. در تفسیر نورالثقلین در ذیل این آیه از امام رضا (ع) روایت شده است که ایشان فرمود:

"این از ویژگی ما اهل بیت است که علاوه بر اینکه خداوند ما را همراه با مردم امر به نماز کرد، به صورت جداگانه نیز ما را به این کار مأمور کرد. پیامبر ﷺ بعد از نزول این آیه نه ماه هر روز هنگام اوقات نماز، بر در خانه علی و فاطمه (ع) می‌ایستادند و می‌فرمودند: "نماز! خداوند شما را مشمول رحمت خود کند."^۲

پیامبر ﷺ و اهل بیت (ع) نیز به پیروی از خداوند متعال والدین را به آموزش نماز به فرزندان دستور داده و این وظیفه را به عهده آنان گذاشته‌اند. مالک بن حویرث می‌گوید:

"ما که چند جوان همسال بودیم نزد پیامبر ﷺ رفتیم و بیست شب نزد ایشان ماندیم. پیامبر ﷺ مهربان و نرم‌خو بود.

۱. طه: ۱۳۲.

۲. حویزی، نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۰۸.

هنگامی که دانست ما میل به خانوادمان داریم. از خانوادمان پرسید و ما جواب دادیم. آنگاه فرمود: به سوی خانواده خود برگردید و در خانواده هایتان نماز را برپا دارید و به آنان بیاموزید و آنان را [به نماز] امر کنید.^۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز می فرمایند: "علموا صبیانکم الصلوه و خذوهم بها اذا بلغوا ثمانی سنین"^۲؛ نماز را به فرزندان خویش بیاموزید و چون به هشت سالگی رسیدند آنان را به خواندن این فریضه الهی وادار نمایید.

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۳۲.

۲. عاملی، وسایل الشیعة، ج ۳، ص ۱۲.





فصل دوم

نقش والدین در ترغیب فرزندان به نماز

یکی از وظایف والدین و متقابلاً یکی از حقوق فرزندان بر والدین که بر آن بسیار تأکید شده، آموزش و ترغیب فرزندان به نماز است. والدین در ترغیب فرزندان به نماز و آموزش آن چهار نقش مهم را باید ایفا کنند؛ در این فصل، این نقش‌ها را بررسی و راهکارهای مناسب برای ایفای آنها را بیان می‌کنیم.



فصل دوم: نقش والدین در ترغیب فرزندان به نماز

چنان‌که پیش از این گفتیم، والدین که هسته اصلی خانواده را تشکیل می‌دهند، می‌توانند نقش مهمی در هدایت فرزندان به نماز ایفا کنند و بر این اساس، در آموزه‌های اسلامی یکی از وظایف والدین و متقابلاً یکی از حقوق فرزندان بر والدین که بر آن بسیار تأکید شده، آموزش و ترغیب فرزندان به نماز است. والدین در ترغیب فرزندان به نماز و آموزش آن چهار نقش مهم را باید ایفا کنند:

نقش زمینه‌سازی؛

نقش الگویی؛

نقش آموزشی؛

نقش نظارتی و مراقبتی.

در این فصل، این نقش‌ها را بررسی و راهکارهای مناسب برای ایفای آنها را بیان می‌کنیم.

یک. نقش زمینه‌سازی

هنگامی که فرزندان به سن تکلیف می‌رسند، لازم است از احکام نماز به خوبی آگاه باشند، اقامه نماز را بر خود واجب بدانند و برای ادای این تکلیف دینی اراده و انگیزه کافی داشته باشند. بدون شک پرورش چنین فرزندانی نیاز به زمینه‌هایی دارد که پدر و مادر که اولین معلم و مربی هستند، در فراهم آوردن این زمینه‌ها و بسترها نقش بی‌نظیر و

انکارناپذیری دارند. والدین با شناسایی دقیق این زمینه‌ها، می‌توانند به‌گونه‌ای زمینه‌سازی کنند، که فرزندان‌شان در آستانه تکلیف بدون نیاز به امر و نهی و تذکر، به صورت خودجوش و خودخواسته نماز خود را در اوقات مشخص بخوانند و خود را مقید به انجام آن بدانند.

زمینه‌ها و بسترهای لازم برای تربیت صحیح فرزند محدود به دوره‌ای نیست و دوره پیش از تولد و حتی پیش از انعقاد نطفه را نیز در بر می‌گیرد. شاید این روایت از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که "الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ" ناظر به همین معنا باشد. در روایات معصومان علیهم السلام نیز به تأثیر زمینه‌های پیش از تولد بر حالات و روحيات کودک توجه شده و در ایجاد زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای پرورش صحیح کودک توصیه‌هایی شده است؛ مانند انتخاب همسر مناسب، رعایت آداب آمیزش، رعایت نکاتی در تغذیه مادر در هنگام حاملگی و ... در اینجا ما به شرح و بسط این زمینه‌ها می‌پردازیم.

راه‌های فراهم کردن زمینه مناسب

در اسلام برای تولد کودک آداب و سنت‌هایی وجود دارد که برخی از آنها نقش مهمی در زمینه‌سازی برای تربیت صحیح به‌ویژه تربیت دینی کودک دارند. آداب و سنت‌هایی مانند انتخاب نام نیکو، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، عقیقه، ختنه، صدقه و برداشتن کام کودک

۱. علی‌ابن‌ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۵.





با تربت امام حسین علیه السلام یا آب فرات. در میان این سنت‌ها گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد و انتخاب نام نیکو نقش مهمی در زمینه‌سازی برای پابندی نوزاد به نماز در آینده دارد. افزون بر این، تغذیه، محبت به کودکان، مقید بودن والدین به نماز، معاشرت با خانواده‌های مقید به نماز، پرورش عادت‌های مناسب و فراهم آوردن زمینه برای کسب آگاهی‌های لازم نیز بخشی دیگر از زمینه‌های لازم برای هدایت فرزندان به نماز است. در ادامه این زمینه‌ها را توضیح می‌دهیم.

۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

در روایات متعددی آمده است که اهل بیت علیهم السلام هنگام تولد فرزندان، در گوش راست آنها اذان و در گوش چپ اقامه می‌گفتند و دیگران را نیز به آن سفارش می‌کردند.^۱ در این روایات به برخی از تأثیرات این سنت در زمینه‌سازی تربیتی به‌ویژه برای نماز اشاره شده است. از جمله آثار اذان و اقامه می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، مطابق برخی از روایات، او را از شیطان حفظ می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لْيُقِمِّ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ

۱. برای نمونه در کتاب جامع احادیث الشیعه نوشته آیه الله بروجردی، ج ۲۶، ص ۷۴۰ بابی هست به نام: باب انه يستحب لمن ولد له مولود أن يؤذن في أذنه اليمنى ويقيم في أذنه اليسرى...

الرَّجِيمُ"؛ هر کس فرزندی برای او تولّد یافت، باید در گوش راستش اذان نماز و در گوش چپش اقامه بگوید که این سبب می‌شود کودک، از شیطان رانده شده و از ترس او در امان باشد. از سوی دیگر، مطابق برخی آیات قرآن کریم، باز داشتن انسان از راه خدا و اقامه نماز یکی از اهداف و برنامه‌های اصلی شیطان است. "إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ"^۲. در نتیجه وقتی با گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد او را از شر شیطان در امان می‌داریم در واقع زمینه‌های نمازخوان شدن او را فراهم کرده‌ایم.

۲. اذان و اقامه در بردارنده مهم‌ترین اعتقادات و عبادات اسلامی است: شهادت به یگانگی خدا، رسالت حضرت ختمی مرتبت، ولایت آل الله، دعوت به رستگاری و کار نیک و اقامه نماز است. گفتن این عبارت‌ها در گوش نوزاد، آن هم در زمانی که پذیرندگی او بسیار قوی است، زمینه را برای پذیرش و گرایش وی به این آموزه‌ها که یکی از برترین آنها نماز است، فراهم می‌آورد.

البته تأثیر اذان و اقامه خاص نوزاد نیست و مطابق برخی روایات گفتن اذان و اقامه در گوش بزرگسال نیز موجب برطرف شدن بد خلقی او می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: "إِذَا سَاءَ خُلُقُ أَحَدِكُمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۴.

۲. المائدة: ۹۱.





دَابَّهٍ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْأَذَانَ كُلَّهُ^۱؛ هرگاه کسی بداخلاق شد، در گوش او همه اذان را بخوانید. مطابق برخی روایات اذان نور است. پیامبر ﷺ فرمودند: "يَا عَلِيُّ، الْأَذَانُ نُورٌ"^۲ و گفتن آن در گوش نوزاد موجب نورانیت او می شود.

۲. انتخاب نام نیکو

نامی که برای کودک انتخاب می شود در شکل گیری شخصیت او تأثیر دارد. شاید به همین دلیل است که معصومان علیهم السلام انتخاب نام نیک را از حقوق فرزندان بر والدین شمرده اند: امام کاظم علیهما السلام می فرماید: "مردی خدمت پیامبر ﷺ رسید و گفت: حق فرزندم بر من چیست؟ ایشان فرمود: نام نیکو بر او بگذاری، او را خوب تربیت کنی و او را به جایگاه نیکو برسانی"^۳. همچنین بعید نیست که به علت همین تأثیر تربیتی نام نیک و بد باشد که پیامبر ﷺ نام های بد افراد و حتی مکان ها را تغییر می دادند و نام های نیکو بر آنها می نهادند. امام صادق علیهما السلام فرمود: "پیامبر نام های زشت افراد و شهرها را تغییر می داد"^۴.

نام نیک از چند جهت در انسان تأثیر می گذارد:

۱. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۶.
۲. شعیری، جامع الاخبار، ص ۶۷.
۳. مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۱، ص ۸۴.
۴. همان، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۷.

نخست، تأثیر در شکل‌گیری خودپنداره مثبت در شخص

در هر فرهنگ، هر نام با نوعی خاص از شخصیت، صفات و رفتارها همبستگی دارد، به‌گونه‌ای که با شنیدن آن نام، صفات و رفتارهای خاصی از صاحب آن نام انتظار می‌رود. اگر نام نیکو برای کسی انتخاب شود، از او انتظار می‌رود از شخصیتی والا و صفاتی پسندیده برخوردار بوده و رفتارهایی شایسته از وی صادر شود و به عکس اگر نام بد برای وی انتخاب شود، از وی انتظار می‌رود شخصیتی کم‌ارزش و صفات و رفتارهایی ناپسند داشته باشد. بر این اساس، انتخاب نام نیکو موجب می‌شود که صاحب آن نام تصویری زیبا و مثبت از خود داشته باشد و به عکس، انتخاب نام زشت موجب می‌شود صاحب آن نام تصویری زشت و منفی از خود داشته باشد. برای مثال، اگر نام کسی "محمد" باشد، تصور او از خود تصور کسی است که شخصیت و صفات و رفتارش تا حدی شبیه به پیامبر ﷺ است. در مقابل، اگر نام "شمر" برای کسی انتخاب شود، تصور او از خود تصور کسی است که شخصیتی لجوج، منحرف و دشمن حقیقت و اهل بیت ﷺ بوده، صفات رذیله‌ای چون کینه‌توزی، قساوت و بی‌رحمی و رفتارهایی ناپسند مانند کشتار اهل بیت ﷺ، بد رفتاری با دیگران را دارد.

دوم، دعوت فرد به رفتارهای پسندیده مناسب با نام

گفته شد، نام نیکو موجب شکل‌گیری خودپنداره مثبت در صاحب نام می‌شود و او خود را فردی می‌داند دارای صفات فضیلت و رفتارهای





پسندیده و همین موجب می شود فرد به سوی رفتارهای پسندیده و صفات نیکو هدایت شود. کسی که نامش برای مثال، محمد است، این نام او را به سمت مهربانی، اخلاق خوش و عبادت خداوند و نماز هدایت می کند. چرا که حضرت محمد ﷺ همه این صفات نیکو را واجد بوده است.

سوم، تأثیر در نوع انتظارات و رفتار دیگران با او

گفتیم، در فرهنگ ما، مانند هر فرهنگ دیگری، هر نام یادآور شخصیتی خاص و صفات و رفتارهایی ویژه است. به همین سبب، نوع انتظاراتی که دیگران از يك فرد دارند و نوع رفتار آنان با يك فرد، به ویژه در برخوردهای اولیه، متناسب با نام او شکل بگیرد. برای مثال، کسی که نامش علی است نوع واکنش و انتظاراتی که دیگران از وی دارند بسیار متفاوت با کسی است که نامش کوروش یا یزید است. از کسی که نامش علی است، مردم انتظار دارند شجاع، یارو یاور مظلومان و اهل نماز باشد و همین، زمینه را برای رو آوردن وی به این رفتارها فراهم می کند.

۳. تغذیه

در آموزه های اسلامی بر حلال و پاکیزه بودن غذا بسیار تأکید و از خوردن غذای حرام به شدت نهی شده است. یکی از آثار غذای حرام قبول نشدن نماز و روزه و عبادت است. پیامبر ﷺ فرمود:

"خدای تعالی فرشته‌ای دارد که هر شب بر بالای بیت المقدس فریاد بر می‌دارد هر کس غذای حرامی بخورد خدای تعالی نماز نافله و فریضه‌اش را قبول نمی‌کند". در روایت دیگری فرمود: "عبادت با غذای حرام مثل بنا بر روی ماسه یا آب است."^۱

خوردن غذای حلال و دوری از حرام افزون بر تأثیر در قبولی اعمال، در روح و روان انسان نیز تأثیر می‌گذارد و به تعبیر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وجود انسان را نورانی می‌کند. "مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أُرْبِعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ"^۲؛ کسی که چهل روز غذای حلال بخورد خداوند قلبش را نورانی می‌کند. نتیجه این نورانیت و صفای باطن آن است که انسان به نور و صفا و نیکی گرایش پیدا می‌کند و از تاریکی و زشتی بیزار می‌شود و چون نماز نور است، فرد حلال‌خوار به نماز گرایش می‌یابد. در مقابل، کسی که حرام‌خوار باشد، باطنش تاریک و ظلمانی و سخت می‌شود و ثمره آن دوری از نور و زیبایی و روی آوردن به تاریکی و زشتی است. به همین جهت، امام حسین علیه السلام در روز عاشورا علت قساوت قلب، درک نکردن حقایق و اقدام به کارهای ناشایست لشکریان زیاد را حرام‌خواری می‌داند:

"وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْسَدِينَ وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَ كُلُّكُمْ عَاصٍ لِمَا مَرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي

۱. ابن فهد حلی، عدة الداعي، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۳.





فَقَدْ مُلِئَتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طُبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ^۱؛ همانا من شما را به راه هدایت می‌خوانم. پس آنکه از من پیروی کند، از راه یافتگان و آنکه مرا سرپیچی کند از هلاک شدگان خواهد بود و شما همگی از امر من سرپیچی کردید و سخن مرا نشنیدید؛ زیرا شکم‌هاتان از حرام پر و قلبتان مهر شده است.

علاوه بر این، کمیت غذا نیز در گرایش به نماز بی‌تأثیر نیست. مطابق برخی روایات، پرخوری عامل قساوت قلب، دل‌مردگی^۲، تنبلی و کسالت می‌شود و همگی اینها از موانع جدی عبادت و نماز است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره می‌فرماید:

"إِيَّاكُمْ وَ الْبُطْنَةَ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ وَ مَوْرَثَةٌ لِلْسَّقَمِ وَ مَكْسَلَةٌ عَنِ الْعِبَادَةِ وَ رُويَ مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقِمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ"^۳؛ از شکم‌بارگی برحذر باشید، چون شکم‌بارگی فساد تن است و باعث بیماری و کسالت در عبادت می‌شود.

بنابراین، فراهم آوردن زمینه مناسب مستلزم آن است که والدین فرزندان خود را با غذای حلال تغذیه کنند و به آنان بیاموزند غذا به

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸.

۲. رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: "لَا تُمَيِّتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ كَالرُّزُوعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهِ الْمَاءُ" (طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰).

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۳۸.

اندازه بخورند و از عادت به پرخوری پیشگیری کنند.

۴. محبت به فرزندان

انسان به‌ویژه کودکان نیاز به محبت دارند، چنان‌که نیاز به غذا و مسکن و امنیت دارند. محبت به کودکان و فرزندان یکی از وظایف والدین است. پیامبر ﷺ فرمودند: "أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم"؛^۱ کودکان را محبت کنید و با آنان مهربان باشید. محبت به فرزندان نه تنها نیازی از نیازهای روحی او را برآورده کرده، به او اعتماد به نفس می‌دهد، بلکه افزون بر آن موجب می‌شود والدین محبوب کودکان شوند و به آنها اعتماد پیدا کنند. این رابطه مبتنی بر محبت و اعتماد موجب می‌شود فرزندان از والدین خود حرف‌شنوی داشته، خواسته‌ها و دستورات آنها را بپذیرند و اجرا کنند. این تأثیرپذیری بستگی به میزان محبوبیت والدین دارد و هر چه میزان محبوبیت بیشتر باشد، تأثیرگذاری آنها بر فرزندانشان نیز بیشتر خواهد بود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: "الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ"^۲؛ انسان بنده محبت و احسان است. این علاقه و دوستی نیز به نوبه خود، زمینه را برای تأثیرپذیری از احسان کننده آماده می‌کند؛ زیرا قلب انسان به هر چه علاقه‌مند باشد، سایر اعضا و جوارح او نیز به آن علاقه‌مند می‌شوند و علاقه نیز پذیرش و پیروی را در پی دارد. تحقیقات روانشناسان نیز

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

۲. لیبی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۶۱.





همین مطلب را تأیید می‌کند. تیلور می‌گوید: "یافته‌های روانشناسان نشان می‌دهد که هر چه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی کرده و احتمال بیشتری دارد نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند. آنگاه وی در ادامه در تبیین این مسئله می‌گوید: "از آنجا که انسان‌ها سعی می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد بر حسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند تغییر می‌دهند."^۱

بنابراین، می‌توان گفت احسان و محبت یکی از روش‌هایی است که زمینه را برای هدایت فرزندان به نماز آماده و مساعد می‌کند.

۵. مقید بودن والدین به نماز و زیبا نماز خواندن

یکی از عوامل مؤثر در یادگیری يك رفتار و گرایش به آن، مشاهده آن است. کودکان هنگام مشاهده يك عمل با آن آشنا شده، چگونگی اجرای آن را یاد می‌آموزد و گهگاه آن را انجام می‌دهند. براین اساس، فرزندان خانواده‌ای که روزانه شاهد ادای نماز از سوی والدین خود هستند، به تدریج با نماز آشنا شده، چگونگی انجام آن را می‌آموزند و چه بسا خود به خود به آن علاقه‌مند شده، همراه با پدر و مادر نماز بخوانند. بنابراین، پایبندی والدین به نماز زمینه مناسب و مساعدی را برای گرایش فرزندان به نماز فراهم می‌آورد.

۱. داودی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۳، تربیت اخلاقی، ص ۱۲۵.

مشاهده نماز والدین هنگامی کودک را به سوی خود جذب کرده و میل به انجام آن را در روی برمی‌انگیزد که والدین با عشق و علاقه و از صمیم قلب به نماز رو بیاورند و چنان زیبا نماز بخوانند که صحنه‌ای دلنشین و لذت بخش را رقم بزنند. دیدن این صحنه زیبا موجب گرایش و جذب فرزند به نماز می‌شود. علاوه بر این، والدین با این کار خود، تصویری زیبا، لذت بخش و هیجان انگیز در ذهن کودک رقم می‌زنند که نه تنها در همان زمان، کودک را به نماز جلب می‌کند و در او گرایش به نماز ایجاد می‌کند؛ بلکه هر زمان که کودک آن خاطرات را در ذهن خود مرور کند، احساس آرامش و لذت در او ایجاد شده و میل به نماز در او زنده می‌شود. خواندن نماز در اول وقت، زینت کردن در هنگام نماز، بانشاط و به جماعت ادا کردن آن، رفتن به مسجد و مکان‌های مقدس و معنوی برای اقامه نماز، و بیان داستان‌ها و خاطراتی از نماز مواردی است که می‌تواند تصور و خاطره‌ای زیبا از نماز در ذهن فرزندان ایجاد کند.

۶. رفت و آمد با خانواده‌ها و افراد اهل نماز

معاشرت با دیگران بر شخصیت و رفتار انسان تأثیری تدریجی اما بسیار عمیق می‌گذارد. معاشران و هم‌نشینان نه تنها در رفتار، بلکه در باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و موضع‌گیری‌های یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند. اگر صاحب و معاشر از شخصیت عالی برخوردار باشد، تأثیر مثبت و در غیر این صورت، تأثیرش منفی خواهد بود. به همین جهت، پیشوایان





دینی از معاشرت با افراد ناشایست نهی و به معاشرت با نیکان امر کرده‌اند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: "لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تَجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ"؛^۱ با بدعتگزاران مصاحبت و نشست و برخاست نکنید، که از نظر مردم یکی از آنها بشمار می‌آیید. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: "هر کسی بر دین دوست و همراه خود است." مطابق این روایت، تأثیر مصاحبت و معاشرت تا آن اندازه است که حتی اعتقادات و ارزش‌های دینی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، معاشرت با افرادی که در دینداریشان استوار و به نماز پایبندند، موجب تقویت دین و استواری در انجام دستورات دینی می‌شود.

والدینی که با افراد و خانواده‌های متدین و مقید به نماز رفت‌وآمد می‌کنند، زمینه مناسب برای گرایش فرزندان‌شان به نماز را آماده و به صورت غیرمستقیم آنان را به نماز دعوت و هدایت می‌کنند. در مقابل، ارتباط با افراد و خانواده‌های سست ایمان و بی‌توجه به نماز در واقع نابود کردن زمینه مساعد برای گرایش فرزندان به نماز، بلکه زمینه دوری آنها از نماز است. به همین سبب، امام صادق علیه السلام به صورت ویژه در مورد نماز تذکر می‌دهد که از همنشینی و دوستی با بی‌نمازان به شدت پرهیز کنید:

"اٰخْتَبِرُوا اِخْوَانَكُمْ بِخَصَلَتَيْنِ. فَاِنْ كَانَتَا فِيْهِمْ وَ اِلَّا فَاَعْرَبْ ثُمَّ اَعْرَبْ ثُمَّ اَعْرَبْ مُحَافَظَهٗ عَلٰى الصَّلٰوٰتِ فِيْ مَوَاقِيْتِهَا..."؛^۱ دوستان خودتان را با دو ویژگی امتحان کنید، پس اگر در آنها بود (ادامه دهید) وگرنه به شدت از آنان دوری کنید؛ اول: حفظ نماز اول وقت ...

رفت و آمد با خانواده‌های متدین و مقید به نماز افزون بر پیامدهای مبارک پیش گفته، زمینه‌ای ایجاد می‌کند تا فرزند ما دوستانی پیدا کند که متعلق به خانواده‌هایی متدین هستند و این نیز، خود عاملی در گرایش فرزند به نماز تأثیر است.

بنابراین، ارتباط والدین با خانواده‌های متدین و کمک به فرزندان برای پیدا کردن دوستانی مذهبی و با ایمان زمینه مناسبی را برای هدایت فرزند به نماز فراهم می‌آورد.

۷. پرورش عادت‌های مناسب با نماز

برخی از عادت‌ها که متأسفانه در جامعه رواج پیدا کرده است چندان با پایبندی به نماز تناسب ندارد. عادت به تماشای تلویزیون تا نیمه‌های شب، صرف شام سنگین، دیر خوابیدن در شب و دیر بیدار شدن در صبح، تماشای فیلم‌های نامناسب و تنبلی، با تقیّد به نماز به‌ویژه نماز صبح در تعارض است. بنابراین، اگر والدین از همان ابتدا فرزندشان را به‌گونه‌ای تربیت کنند که شام سبک بخورند، به موقع بخوابند، بامدادان از خواب برخیزند و تا دیر وقت به تماشای تلویزیون

۱. همان، ج ۲، ص ۶۷۱.





مشغول نباشند، در واقع زمینه مساعدی برای هدایت فرزند به نماز فراهم کرده‌اند.

۸. فراهم کردن زمینه‌های لازم برای آشنایی بیشتر با آموزه‌های دینی

پایبندی به نماز نتیجه شناخت نماز است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: "يَا كُمَيْلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛" ای کمیل هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در انجام آن نیاز به شناخت داری. آری معرفت و شناخت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز و ظهور رفتار است که بدون آن یا حرکتی انجام نمی‌شود و اگر هم انجام شود، چون مبتنی بر شناخت و آگاهی کافی نیست، درون‌تهی و بی‌اثر و موقت است. از سوی دیگر، نماز یکی از دستوره‌های دینی است و شناخت کامل آن مستلزم شناخت دیگر آموزه‌های دینی به‌ویژه اعتقادات است. بنابراین، آشنایی فرزند با آموزه‌های دینی و با نماز یکی از زمینه‌های مناسب برای هدایت آنان به نماز است.

برخی آموزه‌های دینی و برخی مطالب مربوط به نماز را والدین می‌توانند به فرزندانشان بیاموزند؛ اما مسلماً از عهده همه آموزه‌های دینی به صورت کامل بر نمی‌آیند؛ زیرا اولاً آموزش برخی مسائل نیاز به مهارت و تخصص ویژه‌ای دارد که همه والدین از آن برخوردار نیستند. ثانیاً والدین به دلیل داشتن مسئولیت‌های مختلف، فرصت کافی

را برای این مهم ندارند. از این رو، والدین علاوه بر آموزش‌هایی که خودشان عهده‌دار می‌شوند، باید زمینه‌هایی فراهم کنند تا فرزندانشان آگاهی‌های لازم را درباره دین و دستورات دینی کسب نمایند. منظور ما در اینجا زمینه‌سازی برای این دسته از آگاهی‌ها است.

زمینه‌سازی ارتباط فرزندان با محیط‌های مذهبی، بخصوص مساجد و هیئت‌ها، ثبت نام کودکان در مراکز آموزش‌های دینی، آشنا کردن کودکان با افرادی که اطلاعات دینی بالایی دارند. از جمله روحانی محل. شرکت دادن فرزند در اردوهای زیارتی از جمله گام‌هایی است که خانواده می‌تواند برای فراهم شدن زمینه‌های آشنایی بیشتر فرزند با آموزه‌های دینی بردارند.

دو. نقش الگویی

انسان هنگام تولد نه از توانایی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است نه از پیرامون خود شناخت و آگاهی دارد. با وجود این، از همان ابتدای تولد می‌کوشد خود را با دنیای بیرون سازگار کند. خداوند متعال توانایی و ابزار این سازگاری را در نهاد وی قرار داده است و آن چیزی جز توانایی شناخت و عمل بر اساس شناخت نیست. یکی از شیوه‌های شناخت و عمل - به‌ویژه در کودکان - تقلید و الگوگیری از دیگران است. کودک نورسیده با تمام هوش و حواس خود به انسان‌ها و موجودات پیرامون خود توجه می‌کند به منظور اینکه اعمال و رفتار آنها را بشناسد و مطابق





آنها عمل کند؛ تا در نهایت خود را با محیط سازگار کرده، از آسیب آن در امان بماند و از مواهب آن بهره‌مند گردد. این فرایند پیوسته همراه انسان است. بنابراین می‌توان ادعا کرد در طول زندگی انسان اولین و مهم‌ترین روش یادگیری و سازگاری موفق، "روش الگویی" است.

در میان تمام الگوهایی که انسان در طول عمر خود با آن مواجه می‌شود، خانواده از اهمیت ویژه و مقام ممتازی برخوردار است. علل این اهمیت عبارتند از:

اول. خانواده اولین محیطی است که انسان به آن قدم می‌گذارد و آن را تجربه می‌کند. خانواده اولین پنجره‌ای است که کودک از آن به دنیای پیرامون خود می‌نگرد. اولین افراد، رفتارها، گفتارهایی را که کودک می‌بیند و می‌شنود مربوط به خانواده است. به همین سبب، اولین الگوهایی که سرمشق زندگی کودک قرار می‌گیرد در خانواده هستند.

دوم. مدت زمانی که این الگو می‌تواند اثرگذاری کند طولانی است. کودک با الگوهای موجود در محیط‌های دیگر مانند معلم، همکلاسی، همکار و دوستان برای مدت زمانی محدود ارتباط دارد؛ ولی معمولاً ارتباط او با الگوهای خانواده تا زمانی که زنده هستند ادامه دارد.

سوم. در دوران کودکی که از يك سو، دوران شکل‌گیری شخصیت

و اصلی‌ترین دوران تربیت‌پذیری به شمار می‌آید و از سوی دیگر، بیشترین تقلیدپذیری و الگوپذیری آگاهانه و ناآگاهانه در این دوره صورت می‌گیرد؛ بنابراین تنها یا مهم‌ترین الگوهایی که کودک با آن سروکار دارد، متعلق به خانواده است. در این دوران پایه‌های شخصیت و زمینه‌های اصلی کودک براساس الگوگیری از خانواده شکل می‌گیرد و دیگر الگوها همانند محیط مدرسه و جامعه، در مراحل بعد، نقش می‌آفرینند.

چهارم. زمینه‌هایی همچون وراثت، تغذیه مشترک، تأمین نیازها، وابستگی‌های فیزیکی و عاطفی، همراهی و همنشینی شبانه‌روزی ارتباط بین فرزند و دیگر اعضا را قوی و ناگسستنی می‌کند. همین موضوع عاملی می‌شود تا این الگوپذیری به قوی‌ترین شکل تحقق پیدا کند.

پنجم. الگوپذیری از خانواده، از فراگیری خاصی برخوردار است؛ زیرا ممکن است در محیط‌های دیگر الگو تک بعدی باشد؛ اما الگو برداری فرزند در خانواده، تمامی ابعاد شخصیتی، همچون فیزیکی، رفتاری، عاطفی، شناختی، انگیزشی، هیجانی و نگرشی را در برمی‌گیرد.

ششم. شناخت و اعتماد قوی که بین اعضای خانواده وجود دارد، اطمینان خاطر برای فرزند ایجاد می‌کند تا او در خود نیازی به سنجش رفتارها و افکاری که تقلید می‌کند، نبیند و با خاطری آسوده سرمشق‌گیری کند.





همه آنچه گفتیم موجب می شود خانواده جایگاه ممتاز و برجسته ای در یادگیری الگویی فرزندان به صورت کلی داشته باشد. از آنجا که نماز و نیایش با خدا، يك عمل عبادی که متشکل از رفتارهایی قابل مشاهده است، نقش الگویی والدین در آشنا کردن کودکان و فرزندان با نماز و نهادینه کردن آن بسیار پررنگ تر و تأثیرگذارتر می باشد.

به طور قطع نماز خواندن یا نخواندن والدین و اعضای خانواده، نوع نگاه، ارزشگذاری و چگونگی اهتمام آنان به نماز و حتی نوع برخورد آنان با افراد نمازخوان، برای فرزندان اهمیت دارد و در بینش، نگرش و اقدام آنان نسبت به نماز تأثیر می گذارد. می توان گفت نمازخوان شدن یا نشدن فرزندان تا حدود بسیاری وابسته به الگویی است که خانواده در اختیار کودکان قرار می دهند. تحقیقات مختلفی که درباره میزان پایبندی به نماز در ایران انجام شده همین نظر را تأیید می کند.^۱

تمام آنچه گفته شد، حکایت از وظیفه سنگین والدین در زمینه نماز فرزندان دارد. پدر و مادر در درجه اول باید توجّه به این نقش قهری خود داشته باشند؛ در مورد آن شناخت لازم را به دست آورند و در جهت اصلاح خود قدم بردارند؛ زیرا آنها مهم ترین الگوی تربیتی کودکان هستند.

در ادامه، راهکارهای بهبود و تقویت این نقش را به اختصار بررسی می‌کنیم.

الف) راهکارهای تصحیح و تقویت نقش الگویی خانواده

۱. پایبندی آگاهانه، عالمانه و مخلصانه والدین به نماز معروف است که "کودکان ما همان می‌شوند که هستیم، نه آن که می‌خواهیم". این جمله بیانگر واقعیتی تربیتی است که توجه به آن می‌تواند بسیاری از مشکلات تربیتی را حل کند؛ زیرا یادگیری به روش الگوبرداری در تمام دوران زندگی انسان جریان دارد؛ اما این جریان در همه مراحل زندگی به یک صورت نیست. کودکان در سنین کودکی رفتار و گفتار والدین را عیناً تقلید می‌کنند. در این مرحله، الگوبرداری با کمترین درک و فهم و با کمترین گزینش جریان دارد؛ ولی با بالا رفتن سن، که با بالا رفتن قدرت شناخت و تجزیه و تحلیل کودکان همراه است، فرزندان ما در الگوگیری با آگاهی بیشتر عمل می‌کنند و دست به انتخاب می‌زنند. در دوران کودکی، فرزندان فقط از ظاهر رفتار پیروی می‌کنند؛ اما در دوره دوم، به سبب رشد توانایی شناخت، به منطق رفتار والدین نیز پی می‌برند و اعتقادات و انگیزه‌های پنهان رفتار والدین را نیز درک می‌کنند. به همین جهت، در این دوره به الگوگیری از باطن رفتار و گفتار والدین می‌پردازند و به ظاهر آنها بسنده نمی‌کنند.





این مطلب در مورد نماز نیز صادق است. کودک در ابتدا فقط نماز خواندن والدین را تقلید می‌کند؛ اما به تدریج که توانایی شناخت او رشد می‌کند و آگاهی او افزایش می‌یابد، میزان ارزشگذاری والدین به نماز و نیز میزان اهتمام و حالات قلبی والدین در نماز را درک و آنها را الگوی خود قرار می‌دهد و از آن تأثیر می‌پذیرد. همچنین به تدریج انگیزه والدین در ادای نماز و نیز باورها و معرفت‌هایی را که مبنای نماز خواندن والدین هستند، درک می‌کند و آگاهانه می‌کوشد در این زمینه‌ها نیز همانند والدین خود باشد.

بنابراین، اگر والدین با آگاهی کامل و برای رضای خدا در ادای نماز شرایط آن مانند پاکیزگی، آراستگی، شرکت در جماعت، حضور قلب و خضوع و خشوع را رعایت کنند، فرزندان آنان نیز از آنان الگو می‌گیرند و احتمال اینکه آنان نیز به نماز اهمیت دهند، بسیار است. اما اگر والدین تنها برای ادای تکلیف و بدون رعایت شرایط نماز را به جا آورند، با عجله و ضویی بگیرند و در آخرین ساعات وقت نماز و پس از انجام کارهای دیگر خود، با عجله و بدون توجه و حضور قلب نماز بخوانند، فرزندان این خانواده گرچه ممکن است در دوران کودکی از والدین خود الگو بگیرند و نماز را بخوانند؛ اما به تدریج که رشد می‌کنند و توانایی درک و فهم آنان افزایش می‌یابد، احتمال اینکه چندان بهایی به نماز ندهند یا حتی آن را ترك کنند، افزون می‌یابد. همچنین اگر والدین گهگاه و تنها در حضور برخی افراد و برای فرار از سرزنش دیگران

نماز بخوانند، فرزندان آنها ممکن است در دوران کودکی از آنها تقلید کنند و نماز بخوانند؛ اما چه بسا در دوران نوجوانی آن را کنار گذارند؛ چون انگیزه آنان را درك کرده‌اند.

۲. مقبولیت و محبوبیت والدین

برخی از ویژگی‌های والدین در تقویت یا تضعیف الگوپذیری فرزندان تأثیر بسزایی دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان مقبولیت را نام برد. گرچه فرزندان به خصوص در سنین کودکی، والدین خود را قبول دارند و به صورت طبیعی آنان را الگوی خود قرار می‌دهند، اما ممکن است با بالا رفتن سن فرزندان نظر آنان درباره والدین تغییر کرده و آنان را مقبول ندانند.

اگر بخواهیم این مقبولیت حفظ و تقویت شود، لازم است دو ویژگی در والدین ایجاد و تقویت شود: تخصص و اعتماد. چرا که مقبولیت آگاهانه ناشی از همین دو عامل است. منظور از تخصص، آگاهی کافی والدین درباره آموزه‌های دینی، به ویژه نماز است. منظور از اعتماد این است که فرزندان بدانند والدین در توصیه‌ها و خواسته‌های دینی خود فقط رضایت خدا و دستورات دینی را مد نظر دارند، نه منافع شخصی و خانوادگی و غیره را. والدینی که هم آگاهی کافی از مسائل و آموزه‌های دینی دارند، هم به آنچه می‌دانند، معتقد و پایبند هستند، مطمئناً در





مسائل دینی نیز مقبول و الگوی فرزندان واقع می‌شوند.^۱

محبوبیت والدین نیز نقش مهمی در پذیرش الگوپذیری از والدین دارد. البته، این محبوبیت غریزی است و فرزندان به صورت طبیعی پدر و مادر خود را دوست دارند؛ اما پدر و مادر می‌توانند با محبت بیشتر به فرزندان و برخورد حکیمانه و مهربانانه با آنان، محبوبیت خود را افزایش دهند و به این صورت، زمینه را برای ایفای مؤثرتر نقش الگویی خویش فراهم آورند.

۳. هماهنگی رفتار والدین

یکی از شرایط ضروری برای موفقیت والدین در ایفای نقش الگویی، هماهنگی رفتار آنهاست. ناهماهنگی در رفتار والدین به دو شکل ظاهر می‌شود:

اول. بدین صورت که هر کدام از والدین در جایی به‌گونه‌ای عمل کنند و در جای دیگر به‌گونه دیگر. برای مثال، والدین در حضور دیگران نماز را اول وقت و با کیفیت به جا آورند؛ ولی در خانه و خلوت به نماز چندان اهمیت ندهند؛

دوم. ناهماهنگی میان رفتار پدر با مادر یا دیگر اعضای خانواده. بدین صورت که مادر برای مثال، به نماز اهمیت دهد و به بهترین

۱. ر.ک. محمد داودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۷۶.

کیفیت آن را به جا آورد؛ ولی پدر نماز را سبک بشمارد یا آن را ترک کند.

هرگونه ناهماهنگی میان رفتار والدین به شدت از تأثیرگذاری الگویی والدین جلوگیری می‌کند؛ زیرا فرزند بدان سبب که رفتاریک دست و هماهنگی را مشاهده نمی‌کند، متحیر می‌ماند و نمی‌داند رفتار کدام یک از والدین را الگو قرار دهد و براساس آن عمل کند. آیا باید نماز را با شرایط کامل بخواند یا مختصر؟ به آن اهمیت بدهد یا ندهد؟ همین تحیر و سرگردانی موجب وقفه در الگوگیری می‌شود. افزون بر این، این تعارض‌ها موجب می‌شود حساسیت فرزند نسبت به رفتارهای والدین تضعیف و در نهایت نابود شود و نتیجه طبیعی آن این است که توجهی به رفتار آنها نمی‌کند و به همین سبب، از رفتار آنها الگو نمی‌گیرد. چه بسا در برخی موارد، این تعارض‌ها موجب شود فرزند ما ناخواسته نوعی نفاق و ریا را بیاموزد و به آن خو بگیرد. بنابراین، ایفای صحیح نقش الگویی مستلزم ایجاد هماهنگی در رفتار والدین است.

گفتنی است، در برخی موارد والدین ناچارند رفتارشان متفاوت باشد و برای مثال، در شرایطی خاص (به دلیل منتظر افرادی بودن یا به دلیل کاری ضروری) مجبورند نماز را مختصر بخوانند؛ در این صورت باید برای فرزند خود توضیح دهند که این اختصار برای چه بوده است، تا مانع الگوگیری آنها نشود.





۴. تداوم و استمرار رفتارها

آموزش نماز به فرزندان در خانواده زمان فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد و از تولد تا حدود هفده یا هیجده سالگی طول می‌کشد. در طول این دوره یا دست‌کم تا زمانی که آموزش کامل شود و این رفتار در فرزند نهادینه شود، باید رفتار الگوها یعنی پدر و مادر تداوم یابد.

این استمرار از دو جهت ضرورت دارد:

نخست آنکه فرزند رفتار والدین را می‌بیند و از راه مشاهده آن را می‌آموزد و تقلید می‌کند. این مشاهده و تقلید باید به اندازه‌ای تداوم داشته باشد که فرزند بتواند تمام ابعاد و جوانب آن را بیاموزد و در خود نهادینه کند. اگر کمتر از این مقدار تداوم یابد، فرایند یادگیری ناقص می‌شود؛

دوم آنکه این رفتار حتی اگر بعد از تسلط کامل فرزند به نماز و یادگیری آن قطع شود، این سؤال برای فرزند پیش می‌آید که چرا پدر یا مادرش نماز را ترك کرده و چه بسا این شبهه برای او مطرح شود که نماز خواندن توجیهی ندارد و باید ترك شود و به این ترتیب، رفتار یادگرفته شده در معرض نابودی خواهد بود.

ب) موانع ایفای نقش الگویی خانواده

خانواده ممکن است در عمل به واسطه برخورد با موانعی نتواند نقش

الگویی خود را به خوبی ایفا کند. در ادامه برخی از مهم‌ترین موانع را بررسی می‌کنیم.

۱. فرزندسالاری

فرزند سالاری پدیده‌ای جدید است که اگر در خانواده و جامعه‌ای حاکم شود، جایگاه و نقش فرزندان بر جایگاه و نقش والدین برتری می‌یابد و خواسته‌های فرزندان در اولویت قرار می‌گیرد. نتیجه طبیعی حاکمیت این پدیده این است که والدین نمی‌توانند الگو و سرمشق فرزندان قرار بگیرند؛ زیرا جایگاه و شأن و منزلت آنان چنان تنزل کرده و والدین چنان کوچک می‌شوند که دیده نمی‌شوند تا چه رسد به اینکه الگو و سرمشق قرار بگیرند.

دین مبین اسلام در عین حال که بر رعایت احترام و شأن و منزلت فرزندان تأکید کرده و والدین را به نیکی به فرزندان و برخورد محبت‌آمیز با آنها فراخوانده، جایگاه والدین را برتر از فرزندان قرار داده و فرزندان را به رعایت شأن و منزلت والدین دعوت کرده است. در قرآن مجید دستور احسان به والدین با دستور به عبادت خدا همراه شده است.^۱ در سخنان پیشوایان دین نیز اطاعت آنان هر چند کافر باشند - جز در موردی که امر به معصیت خداوند باشد، واجب شمرده شده است.^۲

۱. وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (نساء: ۳۶).

۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام): "... إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ حَقًّا فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ





۱. دوست گرایی

فرزندان در دوران کودکی معمولاً بیشتر اوقات خود را با والدین سپری می‌کنند و از نظر روحی هم به خانواده وابسته‌اند. به تدریج که رشد می‌کنند و سنشان بالاتر می‌رود، به سوی دوستان و همسالان خود گرایش پیدا کرده و مقدار بیشتری از وقت خود را با آنان می‌گذرانند. اگر همراهی با دوستان بیش از اندازه معمول باشد و حالت افراطی پیدا کند موجب می‌شود الگوگیری فرزند از خانواده کم‌رنگ شده و به تدریج دوستان جای خانواده را بگیرند. این پدیده به‌ویژه اگر دوستان فرزند از نظر تقید به ارزش‌های دینی و نماز در شرایط مطلوبی نباشند، تأثیر نامناسبی بر هدایت فرزندانش به سوی نماز می‌گذارد.

برای مواجهه با این مانع چند راهکار مفید است:

راهکار اول: چه در دوران کودکی و چه در دوران نوجوانی والدین زمان بیشتری را با فرزندان خود سپری کنند تا نیاز فرزندان به معاشرت با دوستان تا حد زیادی تأمین شود و از این طریق مانع شکل‌گیری دوست‌گرایی افراطی در فرزندان خود شوند. حتی هنگامی که فرزندان با دوستان و همسالان خود، مشغول بازی و تفریح هستند، لازم است والدین نیز گاهی با آنان همراهی کنند تا هم بتوانند دوستان او را شناسایی کنند و هم ارتباط خودشان را با فرزندان حفظ کنند.

راهکار دوم: والدین سعی کنند با روش‌های مختلف در فرایند

گزینش دوستان دخالت کنند و فرزندان خود را به سمت دوستانی هدایت کنند که با ارزش‌ها و باورهای والدین هماهنگ هستند تا نقش الگویی دوستان تقویت‌کننده نقش الگویی والدین باشد.

۲. الگوهای نامناسب

یکی از موانع ایفای نقش الگویی والدین الگوهای نامناسب هستند. فرزندان ممکن است این الگوها را از دوستان، رادیو و تلویزیون، کوچه و بازار، ماهواره، کتاب‌های داستان آموخته باشند. به هر حال، این الگوها خلاف باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای والدین را به فرزند ما القا می‌کنند و می‌توانند تأثیر نقش الگویی والدین را کمرنگ و حتی از بین ببرند.

برای مبارزه با الگوهای نامناسب راهکارهای زیر توصیه می‌شود:

- نخستین راهکار: چنان‌که پیش از این در زمینه‌سازی اشاره کردیم، این است که با فراهم آوردن زمینه مناسب مانع آشنایی فرزندان با این الگوها بشویم.
- دومین راهکار: در صورت نبود زمینه مساعد، والدین باید از راه آگاهی دادن، توانایی تشخیص و تصمیم‌گیری صحیح را در فرزند ایجاد کنند؛ به‌گونه‌ای که بتواند آگاهانه از الگوهای منفی دوری کند.
- سومین راهکار: همچنین والدین می‌توانند با معرفی ویژگی‌های زشت الگوی نامناسب و نیز با بیان پیامدهای منفی





الگوگیری از او، گرایش به این الگو را در فرزند به پایین ترین حد رساند و حتی فرزند را از وی متنفر کنند. در این صورت، نه تنها فرزند او را الگوی خود قرار نمی دهد، بلکه با توجه به آگاهی ای که از او به دست آورده، چه بسا سعی می کند رفتارهای مخالف او را انجام بدهد و از این طریق، تهدید به فرصت تبدیل می شود.

- چهارمین راهکار: الگوهای مثبتی برای فرزندان معرفی یا ایجاد شود و نشاط و جذابیت این الگوها نیز به گونه ای تقویت شود که فرزندان بیشتر به سوی این الگوها تمایل پیدا کنند.

- پنجمین راهکار: اگر هیچ يك از این راهکارها مؤثر واقع نشد، ضرورت دارد والدین بکوشند الگوهای منفی را با آگاهی بخشی و تذکر اصلاح کنند.

- ششمین راهکار: اگر این فعالیت ها کارگر نیفتاد، شایسته است ارتباط فرزند با الگوهای منفی به حد اقل یا صفر برسد و راهکار آن قطع ارتباط خانوادگی، عوض کردن محله یا مدرسه و حتی هجرت از آن شهر و روستاست.

۱. تلویزیون و رسانه های دیگر

استفاده بیش از اندازه از رسانه های مختلف به ویژه تلویزیون، از یک طرف ارتباط فرزندان با والدین را به حداقل می رساند و همین امر الگوگیری فرزندان از والدین را تضعیف می کند. از سوی دیگر، این رسانه ها با معرفی الگو با روش های جذاب سمعی و بصری موجب

می‌شوند فرزندان ما الگوهای معرفی شده این رسانه‌ها را الگوی خود انتخاب کنند؛ این نیز به نوبه خود تأثیرگذاری الگویی والدین را تضعیف می‌کند. این خطر وقتی جدی‌تر می‌شود که این رسانه‌ها به وسیله دشمنان اسلام هدایت و رهبری بشوند؛ همچون برخی شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی فاسد.

برای مبارزه با این مانع شایسته است این فعالیت‌ها انجام شود:

اول. در درجه اول والدین بکوشند فرزندان خود را در معرض این رسانه‌ها و شبکه‌ها قرار ندهند.

دوم. والدین بکوشند از راه ارتباط جذاب و هیجانی با فرزندان خود در قالب‌هایی همچون بازی، تفریح و مسافرت، پیوند خود با فرزندان را تقویت کرده و از وابستگی آنان به رسانه‌ها پیشگیری کنند.

سوم. والدین می‌توانند از راه آگاهی بخشی در مورد خطرات و آسیب‌های وابستگی به رسانه‌ها، در قالب گفتگوهای صمیمانه یا فرستادن فرزندان به کلاس‌های آموزشی خاص و یا مشاوره با متخصصان، مانع وابستگی فرزند به رسانه شده و در عین حال روش صحیح استفاده از رسانه‌ها را به آنان بیاموزند.

چهارم. والدین می‌توانند با مشارکت فرزندان برای مدت زمان و





نوع استفاده از این رسانه‌ها قوانینی را تدوین و اجرا کنند تا ارتباط فرزند با رسانه‌ها در کنترل قرار گیرد.

۲. اشتغال تمام وقت والدین

از دیگر مسائلی که فاصله بین فرزندان و والدین را زیاد و در نتیجه نقش الگویی آنان را کم‌رنگ می‌کند، اشتغال تمام وقت والدین است. وقتی پدر و مادر هر دو شاغل باشند و کودک یا در مهدکودک باشد و یا در خانه، تنها روز را سپری کند و والدین وقتی به خانه برسند که زمان خواب کودک است، دیگر فرصتی برای الگوگیری از والدین نمی‌ماند. راه حل این مشکل به دست خود والدین است؛ یعنی والدین باید از حجم کارشان بکاهند تا فرصت کافی برای همراهی با فرزندانشان داشته باشند.

سه. نقش آموزشی

نماز عملی عبادی مشتمل بر انجام اعمالی خاص همراه با قرائت و ذکر است که باید به کیفیت و شرایطی خاص که در شرع مشخص شده، انجام گردد. از آنجا که نماز باید با نیت خالص و به قصد انجام فرمان خدا اقامه شود، لازمه آن آگاهی‌هایی در حوزه اعتقادی است. نیز از آنجا که باید با آداب و شرایطی خاص انجام شود، نیازمند آگاهی‌هایی در زمینه احکام است. تمام این آگاهی‌ها باید به هنگام، به اندازه و متناسب با شرایط رشد جسمانی و روانی فرزند به او ارائه

شود. از سوی دیگر، یکی از عوامل اصلی ترک نماز در فرزندان ناآگاهی از چرایی و فلسفه، چگونگی اقامه، آثار و فواید، و عواقب زیانبار ترک نماز است. چنان که بی رغبتی به نماز و نامرتب خواندن نماز و اهمیت ندادن به آن ناشی از آگاهی ناکافی و ناقص از نماز است. در مقابل، شناخت بیشتر نسبت به نماز موجب رغبت بیشتر به نماز و پایداری و استقامت بیشتر در این راه است.

والدین در جایگاه اولین معلم و مربی فرزند خویش وظیفه و نقش بزرگی در این زمینه بر عهده دارند. آنان باید کودکان خود را با نماز و تمام ابعاد و جوانب آن آشنا کنند و به همین جهت، یکی از نقش‌های والدین در مسیر ترغیب فرزندان به نماز و نهادینه کردن نماز در جان فرزندان، نقش آموزشی است. در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بر آموزش نماز به فرزندان از جانب والدین تأکید شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: "علموا صیانکم الصلاة...."؛^۱ به فرزندان خود نماز بیاموزید. همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم والدینی را که در آموزش واجبات دینی به فرزندان خود کوتاهی می‌کنند، توبیخ کرده و فرموده است: "وَيُلِّ لِأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ..."^۲ وای بر کودکان آخرالزمان از جانب پدر و مادرشان! پس به ایشان عرض

۱. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۷.

۲. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴.





شد: ای رسول خدا، منظورتان پدر و مادران مشرک است. ایشان پاسخ دادند: خیر! از جانب پدر و مادران مؤمن؛ به علت این که واجبات دینی را به فرزندانشان آموزش نمی دهند.

بنابراین، ضرورت دارد والدین به نقش آموزشی خود توجه جدی داشته باشند و خود را برای ایفای مؤثر آن آماده کنند. ایفای موفق نقش آموزشی والدین مستلزم آشنایی آنان با راهکارها و موانع ایفای نقش است. از آنجا که در فصل چهارم به تفصیل درباره روش های آموزش نماز بحث خواهیم کرد، در اینجا درباره راهکارها بحث نمی کنیم و تنها به بحث موانع می پردازیم.

موانع ایفای نقش آموزشی

برخی از مهم ترین موانع ایفای نقش آموزشی والدین به شرح زیر است:

۱. پایین بودن اطلاعات دینی والدین

یکی از موانع اصلی ایفای نقش آموزشی والدین در خانواده، اندك بودن اطلاعات دینی والدین است. بسیار پیش می آید که بضاعت دینی والدین، حتی والدین تحصیل کرده، چنان اندك است که پاسخگوی نیازهای شرعی خودشان هم نیست، چه رسد به اینکه پاسخگوی نیازهای آموزشی و تربیتی فرزندانشان باشد. بنابراین، والدین باید تا آنجا که می توانند در بالابردن سطح معلومات دینی خود بکوشند تا بتوانند این وظیفه را به بهترین وجه به انجام برسانند.

۲. نداشتن مهارت کافی

داشتن اطلاعات دینی به تنهایی برای موفقیت والدین در تربیت دینی فرزندانشان کافی نیست و افزون بر آن، باید به اندازه کافی از روش های کارآمد آموزش نماز نیز آگاهی داشته، بتوانند با مهارت آنها را به کار بگیرند. برای این کار چه بسا لازم باشد دوره های خاصی را بگذرانند تا با این روش ها و مهارت های مربوط به آن آشنا بشوند.

۳. مشغله زیاد والدین

گاه برخی از والدین چنان پرمشغله اند که فرصتی برای در کنار خانواده بودن ندارند، تا چه رسد به فرصت آموزش نماز به فرزندان خود. والدین باید توجه داشته باشند که تعلیم و تربیت فرزندانشان از مهم ترین وظایف آنان است. چرا که فرزندان ما ثمره زندگی و میوه دل ما هستند و خوشبختی آنان خوشبختی ما و بدبختی اشان مایه سرافکندگی ماست.

۴. دشواری تربیت دینی

یکی دیگر از موانع ایفای نقش آموزشی والدین این است که آموزش و پرورش، به ویژه آموزش دینی و نماز، سختی ها و دشواری هایی دارد و به مقصد رساندن این وظیفه نیاز به صبر، حوصله، تلاش و پشتکار دارد. والدینی می توانند از عهده این کار خطیر برآیند که خود را برای تحمل این سختی ها آماده کرده باشند.





۵. بی‌توجهی و اهمیت ندادن به آموزش‌های دینی

از آنجا که والدین معمولاً اطلاعات دینی کافی ندارند و از تأثیرات سرنوشت‌ساز پیروی از آموزه‌های دینی مطلع نیستند، به تربیت دینی فرزندان خود نیز اهمیت چندانی نمی‌دهند. در حالی که والدین باید بدانند نه تنها سعادت اخروی، بلکه سعادت دنیوی و موفقیت فرزندان‌شان در زندگی نیز، در گرو آشنایی و پایبندی به دین و آموزه‌های دینی است. به همین جهت، باید به تربیت دینی فرزندان خود اهمیت بسیاری دهند. البته، گاه برخی شبهات و افکار و اندیشه‌های نادرست، این ذهنیت را برای والدین درست می‌کند که دین و مقید بودن به آن نقشی در خوشبختی انسان‌ها ندارد. به همین جهت، شایسته است این شبهات با روش‌های صحیح از ذهن والدین زدوده شود.

۶. تزلزل خانواده

هنگامی که روابط پدر و مادر که ستون‌های خانواده‌اند مستحکم نباشد، در واقع بنای خانواده لرزان است و هر لحظه احتمال می‌رود این بنا درهم شکند و فرو ریزد. در چنین خانواده‌ای فرصت و فضایی برای برنامه‌ریزی در راستای رشد و تکامل اعضای خانواده به وجود نمی‌آید و دغدغه اصلی آنها یا استوار کردن این بنا یا تأسیس بنایی دیگر است.

۷. عادت کردن فرزندان به تقلید کورکورانه

درست است که کودکان بیشتر آموخته‌های خود را از راه تقلید فرا می‌گیرند؛ اما تکیه بیش از اندازه بر این فرایند، خود مانعی جدی برای تعلیم و تربیت دینی فرزندان می‌گردد. از این رو، والدین باید حس کنجکاوی فرزندان را بخصوص در سنین نوجوانی، ارج نهند و این حس را در آنان زنده نگاه داشته، روحیه پرسشگری و نقادی را در آنها تقویت کرده، آنان را به سوی حق جویی و حق‌پذیری استدلالی سوق دهند.

چهار. نقش نظارتی و مراقبتی

نظارت و مراقبت یکی از ضروریات فعالیت تربیتی است و بدون آن نمی‌توان به سرانجام رسیدن فعالیت‌های تربیتی امید داشت؛ زیرا غیر از والدین عوامل دیگری هم بر نگرش‌ها و رفتارهای فرزند مؤثر هستند و همانها ممکن است تلاش‌های والدین را کم‌اثر یا منحرف کرده، و در نتیجه، پس از مدتی ممکن است فرزند رفتار آموخته شده را ترك کرده یا حتی با آن به ستیزه برخیزد. اینجاست که والدین متوجه می‌شوند که در اثر عواملی که از نظر آنان مخفی مانده، تمام زحمات آنان برباد رفته است.

برخی از دلایل نیاز به مراقبت و نظارت عبارتند از:

اول. تأثیرپذیری بالا که ناشی از ناآگاهی‌ها و ناپختگی‌های دوران





کودکی و نوجوانی است؛

دوم. روزمرگی و عدم آینده‌نگری و نداشتن قدرت خودکنترلی و مراقبت از خود؛

سوم. جدا شدن تدریجی کودکان از خانواده و قرار گرفتن در محیط‌های اجتماعی مختلف؛

چهارم. هیجانات و عواطف فراوان، شدید و پیچیده دوران نوجوانی و روحیه دوست‌گرایی و گروه‌گرایی آنان؛

پنجم. تنوع و فراوانی رسانه‌های فردی و گروهی و عمق و گستره بالای تأثیرگذاری آنها.

الف) صلاحیت‌های لازم برای نظارت و مراقبت

فرزندان ما در عرصه‌های مختلف نیاز به مراقبت و نظارت دارند. نظارت و مراقبت در دوران نوزادی و کودکی گستره وسیعی را در برمی‌گیرد؛ اما بیشتر در قلمرو مسائل زیستی کودک است تا مسائل تربیتی. با این حال، مراقبت از محیط کودک و افرادی که با وی در ارتباط هستند نقش مهمی در تربیت او دارد. فرزندان هرچه بزرگ‌تر می‌شوند در کارهای شخصی و زیستی خودشان مستقل می‌شوند و در عوض به مراقبت‌ها و نظارت‌های تربیتی و رفتاری بیشتری نیاز پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، با بالاتر رفتن سن کودک و رشد فکری، عاطفی و

حرکتی او، گرچه در بعد زیستی نیاز به مراقبت و نظارت کمتر می‌شود، قلمرو نظارت در بعد روحی و فکری و عاطفی گسترده‌تر می‌شود و لازم است رفتار و گفتار، رفت‌وآمد، دوست‌یابی و دوست‌داری، رسانه‌هایی که در اختیار فرزند قرار دارد و نحوه استفاده از آنها، احساسات و داد و ستدهای عاطفی و وضعیت روحی روانی فرزند، آموزشگاه و فعالیت‌های تحصیلی وی همگی تحت مراقبت و نظارت قرار بگیرند.

از سوی دیگر، خصوصیات و ویژگی‌های فرزند در دوره‌های مختلف رشد تغییر می‌کند و به تناسب آن نوع و شیوه نظارت نیز باید تغییر کند. در دوران کودکی (از تولد تا ۱۴.۱۳ سالگی) به دلیل ویژگی‌های خاص این دوره، نظارت آشکار و بی‌پرده است و اعمال آن در قالب امر و نهی و تشویق و تنبیه مستقیم است؛ اما در دوران نوجوانی و جوانی (۱۴ سالگی به بعد) که فرزند ما از نظر جسمی به بلوغ رسیده و از نظر ویژگی‌های شخصیتی، توانایی شناخت و عمل رشد یافته است، نظارت باید نامحسوس و در قالب مشاوره، گفتگوهای صمیمانه و مانند آن باشد. این مطلب از سخنان حکیمانه پیامبر ﷺ نیز استفاده می‌شود. ایشان فرمودند: "هفت سال اول، دوران وابستگی کودک به والدین است، کودک به شدت نیاز به مراقبت دارد و تمام کارهایش به عهده والدین است و در نتیجه مانند "گل" است که دائم باید از آن مراقبت و در مقابل سرما و گرما محافظت شود."^۱

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: "الْوَلَدُ رَيْحَانَةٌ... (صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۵)؛ عن





در هفت سال دوم، فرزندان ما برای آموزش و تأدیب آمادگی کامل دارند و به راحتی دستورات و خواسته های والدین و مربیان خود را می پذیرند^۱ و همانند يك غلام نظارت ها و امر و نهی ها را می پذیرند؛ اما در دوران نوجوانی و جوانی روحیه استقلال طلبی او^۲ باعث می شود که نظارت های بی پرده و امر و نهی های مستقیم را نپذیرند و حتی گاهی در مقابل آنها موضع گیری و لج بازی کنند. پس در این دوره، باید نظارت نامحسوس بوده و اصلاح از راه مشاوره و گفتگوهای صمیمانه صورت بگیرد.

بر این اساس، موفقیت در امر نظارت و مراقبت در گرو ویژگی ها و صلاحیت هایی است که والدین باید آنها را در خود ایجاد کنند. این صلاحیت ها عبارتند از:

اول. آگاهی از ویژگی ها و نیازهای روحی، روانی، عاطفی و رفتاری

امیرمؤمنان علیه السلام: ولدك ريحانك سبعا...» (ابن أبی الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۴۳).

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: "دَعِ ابْنَكَ... يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ..." (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۲)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: "الْغُلَامُ... يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ..." (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۷).

۲. قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: "أُولَدُ سَيِّدٍ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيتَ خَلَاتِقَهُ لِحْدَى وَ عَشْرِينَ سَنَةً وَ إِلَّا ضَرَبَ عَلَى جَنْبَيْهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ" (حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۶).

فرزندان در هر دوره سنی

این آگاهی از لوازم نظارت است؛ چون والدین بدون علم از شرایط و ویژگی‌های فرزندان خود در هر رده سنی، نمی‌توانند بفهمند کدام یک از رفتار و حالات فرزندشان طبیعی و مقتضای سن آنهاست و کدام یک غیر طبیعی و نشانگر یک نوع ناهنجاری است. مسلماً این آگاهی در نحوه پیشگیری و درمان خطرات احتمالی هم لازم است.

دوم. آگاهی از شیوه‌های نظارت و بازخوردگیری

والدین باید بدانند با چه روش‌هایی می‌توانند فرزند خودشان را تحت نظر بگیرند، و با چه روش‌ها و سنجش‌هایی می‌توانند آنان را ارزیابی کنند. در غیر این صورت، ممکن است با روش‌های اشتباه و آسیب‌زا زیان‌های جبران‌ناپذیری به فرزندان خود وارد کنند.

سوم. نشانه‌شناسی و دقت و ریزینی در آن

در پزشکی یکی از مهم‌ترین موضوعات، شناخت نشانه‌های بیماری‌ها است، در تربیت هم این موضوع بسیار مهم است. شناخت‌هایی همچون نشانه‌های سطح رشد فکری، عاطفی و رفتاری متربی، شناخت نشانه‌های سلامت و عدم سلامت او در فرایند تربیت و بخصوص نظارت و مراقبت از ضروریات است.

چهارم. رازداری، دلسوزی، حلم و بردباری





کسی که نظارت بر فرزندان را به عهده می‌گیرد، اگر رازها و اسراری را که در خلال نظارت کشف می‌کند فاش سازد یا صبور و بردبار نباشد و برخورد های عجولانه و افراطی داشته باشد، و حتی اگر بی تفاوت باشد و دلش برای مرتبی نسوزد، نظارت او نه تنها سودی نخواهد داشت، بلکه کاملاً خطرناک است.

ب) روش نظارت و مراقبت

پس از روشن شدن ضرورت مراقبت و نظارت و صلاحیت های لازم برای آن، اکنون باید به روش نظارت و مراقبت بپردازیم.

۱. تغافل

اولین اقدام در نظارت و مراقبت "تغافل" است. هنگامی که متوجه خطایی می‌شویم، در بسیاری از موارد لازم نیست آن را متذکر شویم؛ بلکه باید وانمود کنیم چیزی نمی‌دانیم. تغافل و چشم پوشی از اشتباه دیگران یک فضیلت اخلاقی بزرگ است؛ امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرمایند: "مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ"؛ یکی از با ارزش ترین کارهای انسان بزرگوار "تغافل" از چیزهایی است که از آن آگاه است.^۱ یکی از آثار تغافل در امور کم ارزش، حفظ اقتدار مربی یا والدین است (وَعَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ)^۲؛ زیرا عدم تغافل ممکن است قبح خطا را بشکند، حریم بین ما و فرزندان را از بین ببرد و حتی او

۱. نهج البلاغه، (للصّبحی صالح)، ص ۵۰۷.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۰.

را جری تر کند. البته، باید توجه داشت که تغافل به این معنا نیست که برای جلوگیری از تکرار خطا کاری نکنیم؛ بلکه تنها بدین معناست که از راه‌های مختلف بدون اینکه فرزندان متوجه بشود، برای درمان اقدام کنیم.

توجه به این نکته ضروری است که در همه موارد نمی‌توانیم از روش تغافل استفاده کنیم. در اینجا شایسته است به برخی از موارد استفاده از تغافل اشاره کنیم:

اول. در جایی که می‌دانیم فعل ناشایست فرزندان نه از روی عمد و علم، بلکه ناشی از نادانی یا اشتباه بوده است. در این گونه موارد نه تنها خطای فرزندان را به رخش نکشیم، بلکه سعی کنیم شناخت و آگاهی لازم را در اختیار او قرار دهیم.

دوم. در جایی که می‌دانیم فرزندان هم از خطای خودش پشیمان است و سعی در مخفی کردن موضوع دارد، ولی در اثر وسوسه، تنبلی یا هر دلیل دیگری مرتکب عمل ناپسندی همچون، ترك نماز، شده است. در اینجا سعی می‌کنیم، بدون اینکه فرزندان بفهمد که ما از موضوع خبر داریم، با روش‌های مناسبی اراده، ایمان، اعتقادات و شناخت او را تقویت کنیم تا به راحتی فریفته هوای نفسش نشود.





سوم. در جایی که می‌دانیم فرزندان قصد تکرار عمل را ندارد و فقط در شرایط خاصی مرتکب این خطا شده است. در اینجا باید تلاش کنیم پیش نیاید شرایط مشابهی که فرزند ما را در تصمیم‌گیری و اقدام دچار اشتباه می‌کند.

چهارم. در امور جزئی و کم‌ارزش که نقش اساسی در تربیت و سرنوشت فرزند ندارد نیز لازم نیست دائم عیب‌جویی کنیم. در این موارد باید اصلاح را به تجربه و پخته شدن خودش واگذار کنیم. همان‌گونه که در روایتی که از امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شد: "وَعَظَمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالْتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ"؛^۱ جایگاه خود را با کناره‌گیری از کارهای پست بالا ببرید.

۲. اصلاح یا حذف ریشه خطا

اقدام دوم در نظارت و مراقبت اصلاح یا حذف سرچشمه خطاست. یکی از بهترین روش‌های اعمال نظارت این است که وقتی متوجه خطایی در رفتار فرزند شدیم، برخورد مستقیم و ناشیانه نکرده، بلکه ریشه و منشای خطا را شناسایی و آن را اصلاح یا حذف کنیم. برای نمونه، وقتی متوجه شدیم علت کم شدن انگیزه فرزندان برای خواندن نماز، دوستی با یکی از همکلاسی‌هایی است که به نماز اهمیتی نمی‌دهد، بهترین روش این است که بکوشیم دوست او را هم با دعوت به نماز،

اهل نماز کنیم و اگر در این امر توفیقی نداشتیم، رابطه فرزندان با این دوست را به حداقل رسانده و قطع کنیم.

۳. تذکر

سومین اقدام در راستای نظارت و مراقبت تذکر دادن است. تذکر در لغت به معنای یادآوری است. در زبان فارسی در معنایی نزدیک به اخطار و هشدار نیز به کار می رود. وقتی گفته می شود: "به بازی کن خاطی تذکر داده شد"؛ مراد از تذکر تنها یادآوری نیست؛ بلکه مراد، مرتبه‌ای بالاتر از یادآوری خطا و پایین تر از اخطار و هشدار است. معنای این واژه در قرآن عبارت است از "گفتار و یا رفتاری که از مربی سر می زند تا مربی را نسبت به آنچه از یاد برده، یا از آن غفلت کرده و از آن بی خبر است و اطلاع از آن برای او لازم می باشد، آگاه سازد و احساسات او را در قبال آنها برانگیزد".^۱

منظور ما از تذکر در اینجا، تذکر به معنای اول است؛ هرچند تذکر به معنای قرآنی را نیز شامل می شود. تذکر به معنای اول بیشتر در جایی به کار می رود که تغافل و اصلاح و حذف ریشه‌های محیطی خطا ممکن نبوده یا مؤثر واقع نشده است.

آنچه ممکن است فرزند ما از آن غافل یا بی اطلاع باشد و همین موجب کم توجهی یا بی توجهی وی به نماز شود عبارتند از: خدا و

۱. محمد رضا قائمی مقدم، روش‌های تربیتی در قرآن، ج ۱، ص ۴۳.





نعمت‌های او، مرگ و قیامت، آثار و برکات نماز، عواقب و پیامدهای ناگوار ترك نماز و بی‌توجهی به آن. تذکر به این معنا بسیار نزدیک به موعظه است.

به هر حال، در تذکر باید نکاتی را در نظر داشت:

اول. اطمینان حاصل کردن از نادرستی عمل

پیش از اقدام به تذکر، باید نادرستی و خطا بودن عمل احراز شود. برای مثال، ممکن است فرزند ما به دلیل درستی نمازش را با تأخیر یا با عجله اقامه کند. در این صورت، تذکر دادن نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه موجب می‌شود ابهت و عظمت والدین در نظر فرزندان کم شود.

دوم. تذکر غیرمستقیم و در خفا

اگر فرزند در انجام نماز کوتاهی کرد و مرتکب خطایی شد، تا آنجا که ممکن است باید به صورت غیرمستقیم و پنهانی و دور از چشم دیگران به او تذکر داد. این موجب حفظ عزت نفس و کرامت او شده و مقاومتش را در برابر تذکر به حداقل می‌رساند.

سوم. عکس‌العمل رفتاری

واکنش در برابر خطاها همیشه نباید گفتاری باشد؛ بلکه گاه تذکر رفتاری نیز می‌تواند مؤثر باشد. گاهی چهره درهم کشیدن و اخم کردن و جواب سلام را سنگین و با تأخیر دادن، بیشتر از تذکر گفتاری تأثیر دارد.

چهارم. استفاده از واسطه

لازم نیست همه تذکرها را خود والدین مستقیم به فرزند بدهند. گاه استفاده از دوستان، معلم یا پدر بزرگ و مادر بزرگ بیش از تذکر مستقیم والدین می تواند مؤثر باشد و این کار موجب می شود پرده حجب و حیا و حرمت میان والدین و فرزندان نیز خدشه دار نگردد.

- پنجم. برخورد شدید در برخی موارد

درست است که تذکر باید نرم و ملایم باشد؛ اما همیشه این گونه تذکر کارساز نیست. در برخی موارد نیز لازم است تذکر تند باشد تا در فرزند مؤثر واقع شود.

۴. امر و نهی

امر به معروف و نهی از منکر یکی از عوامل حیات خانواده و جامعه است. در متون دینی ما این وظیفه یکی از فروع دین و به عهده یکایک مسلمانان واجب شده است. امر به نماز و نهی از ترك یا بی توجهی به آن یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. در قرآن و روایات نیز امر به نماز در محیط خانواده، مورد تأکید ویژه است. خداوند متعال خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا"^۱.

ابو سعید خدری می گوید:

۱. طه: ۱۳۲.





هنگامی که این آیه نازل شد: "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ...؛ و خاندان خود را به نماز فرمان بده، پیامبر خدا هشت ماه در وقت نماز صبح به در خانه علی علیه السلام می آمد و می گفت: خدا شما را رحمت کند، وقت نماز است و این آیه را می خواند که: "إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا"^۱.

قرآن مداومت بر امر به نماز را از ویژگی های حضرت اسماعیل علیه السلام مطرح می کند: "وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا"^۲. این وظیفه اختصاص به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام ندارد و شامل همه مسلمانان می شود. امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: "مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ"^۳؛ فرزندانتان را هنگامی که هفت ساله شدند به نماز امر کنید.

این روش در کنار تذکر می تواند نقش مهمی در هدایت فرزند به نماز داشته باشد. به علاوه این روش، ویژگی ای دارد که به هیچ روی در سایر روش ها وجود ندارد، یا اگر وجود دارد، چندان بارز نیست و آن اینکه در امر و نهی، نوعی خواست قاطع و جدی از سوی امر و ناهی وجود دارد. به دیگر سخن، در روش هایی مانند تذکر و بیان فواید نماز، جنبه اقناعی بسیار قوی است؛ در آن روش ها مربی می کوشد در

۱. حسکانی، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن، ترجمه شواهد التنزیل، ص ۲۴۷.

۲. مریم: ۵۵.

۳. ابن حیون، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۹۳.

فرد، انگیزه‌ای درونی برای اقدام به عمل ایجاد کند، تا براساس آن انگیزه عمل کند؛ اما در امر و نهی جنبه اقناعی کم‌رنگ‌تر و جنبه فشار بیرونی برای واداشتن فرد به عمل بارزتر است. امر و ناهی در صد دند با فشار از بیرون، فرد را وادار به عمل کنند، خواه وی از صمیم قلب مایل به آن کار باشد یا نباشد. بنابراین، امر و نهی مکمل تذکر و دیگر روش‌هاست و کارایی آنها را نیز بالا می‌برد. البته استفاده از این روش باید به گونه‌ای نباشد که مقاومت فرزند را برانگیزد.

۵. تنبیه و تشویق

در اعمال نظارت به هیچ وجه از روش تشویق و تنبیه بی‌نیاز نیستیم؛ چرا که در تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به منزله دو بال هستند که با آنها مربی به پرواز در می‌آید و به سوی مقصد عالی رشد، تکامل و حرکت می‌کند. البته استفاده صحیح از این روش نیاز به دانش‌ها و مهارت‌های خاصی دارد که در جای خود به آن می‌پردازیم.

ج) آسیب‌شناسی نظارت و مراقبت

نظارت و مراقبت نیز مانند دیگر نقش‌های خانواده، آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که توجه به آنها ضروری است. برخی از مهم‌ترین آسیب‌های آن عبارت است از:





۱. تفریط و بی توجهی والدین به نظارت و مراقبت

بی توجهی والدین به نظارت و مراقبت بر نماز فرزندان به دلیل ناآگاهی از اهمیت و ضرورت آن، مشغله بیش از اندازه، یا اعتماد بیش از حد به فرزندان از آسیب های جدی نظارت و مراقبت است که والدین باید به آنها توجه بکنند. امروزه در بسیاری از موارد، والدین از رفت و آمدهای دختر و پسر خود هیچ خبری ندارند و متأسفانه با بسیاری از رسانه هایی که فرزندان شان استفاده می کنند - از جمله اینترنت، شبکه های ماهواره ای و تلفن همراه - هیچ آشنایی ندارند.

۲. افراط و سلب آزادی های منطقی

گاهی والدین به بهانه نظارت و مراقبت، آزادی های منطقی فرزندان را محدود یا سلب می کنند و با این کار نه تنها مانع رشد فرزندان می شوند؛ بلکه آسیب های تربیتی جدی به فرزندان شان وارد می سازند.

۳. نظارت محدود

در اکثر موارد والدین نظارت و مراقبت خود را به عرصه خاصی محدود کرده از دیگر عرصه ها غفلت می کنند. مثلاً پدر و مادر به بهداشت جسمی، تغذیه و پیشرفت درسی فرزندان شان اهمیت می دهند و آن را تحت نظارت و مراقبت مداوم دارند؛ اما مسائل مذهبی فرزندان آنچنان که بایسته است، برایشان مهم نیست. در حالی که اگر تقیدات مذهبی فرزند اصلاح شود، نظم، اراده قوی، توجه به بهداشت و دیگر

ویژگی‌های لازم نیز در او ایجاد می‌شود.

۴. روش‌های نادرست در نظارت

استفاده روش‌های نادرست در نظارت از دیگر آسیب‌های این مقوله به حساب می‌آید.



فصل سوم

اصول هدایت و راهنمایی فرزندان به نماز

دانشتن اصول هدایت فرزندان در چگونگی انجام فعالیت‌های مربوط به هدایت فرزندان به نماز، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این فصل، مهم‌ترین این اصول را به اختصار معرفی می‌کنیم.



فصل سوم: اصول هدایت و راهنمایی فرزندان به نماز

انسان موجودی آگاه و هدفمند بوده، برای رسیدن به هدف خود ناگزیر از فعالیت و تلاش است؛ اما فعالیت و تلاش در صورتی به نتیجه می‌رسد که بر اساس اصولی دقیق و کارآمد انجام شود. این قاعده در مورد تربیت عبادی که یکی از مصادیق آن هدایت و راهنمایی فرزندان به نماز است نیز صادق است. اصول هدایت فرزندان به نماز دستورالعمل‌هایی کلی هستند که در چگونگی انجام فعالیت‌های مربوط به هدایت فرزندان به نماز نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این فصل، مهم‌ترین این اصول را به اختصار معرفی می‌کنیم.

یک. اصل زمینه‌سازی

هدایت فرزند به سوی نماز و آموزش نماز به او يك فعالیت است. این فعالیت مانند هر فعالیت دیگر نه در خلأ؛ بلکه در يك محیط و موقعیت اتفاق می‌افتد. اگر این محیط و موقعیت برای انجام این فعالیت آماده شده باشد، زحمت ما مفید واقع می‌شود و ثمر می‌دهد و در غیر این صورت، به احتمال زیاد به هدر می‌رود و به هدف مورد نظر نمی‌رسد. به دیگر سخن، تربیت مانند باغبانی است. باغبان پیش از کاشتن نهال، نخست زمین را با شخم زدن و جمع‌آوری سنگ‌ها و مواد زاید آماده می‌کند. سپس نهال را می‌کارد؛ زیرا می‌داند نشان دادن نهال در زمین ناهموار و آماده نشده چیزی جز زحمت بیهوده نیست. این قاعده در مورد نماز نیز صادق است.

بدین ترتیب، در ترغیب فرزندان به نماز اصل و قاعده نخستین همان زمینه‌سازی است. پیش از این در بررسی نقش زمینه‌سازی خانواده درباره راه و روش زمینه‌سازی بحث کرده‌ایم و در اینجا آن را تکرار نمی‌کنیم.

دو. اصل جامعیت

نماز عملی عبادی است که برخلاف برخی عبادت‌های تك بعدی مانند روزه و دعا و ذکر، ابعاد گوناگونی دارد. در نماز ذکر و قرائت، نیت و رفتار توأمان وجود دارد. از سوی دیگر، نماز يك رفتار است و رفتار، چنان‌که روانشناسان گفته‌اند، سه بعد دارد: شناختی، گرایشی و رفتاری. رفتار نماز از کسی صادر می‌شود که بهره‌ای هرچند کم از شناخت، گرایش و توانایی عمل نسبت به آن را داشته باشد. هرچه شناخت بیشتر و عمیق‌تر و هرچه گرایش قوی‌تر باشد، فرد به این عمل پایبندتر خواهد بود؛ مشروط به اینکه توانایی و مهارت برای انجام آن را دارا باشد. اگر کسی کاملاً به نماز آگاه و به آن گرایش هم داشته باشد اما فاقد توانایی و مهارت‌های لازم باشد، برای مثال، حمد و سوره و اذکار را نداند یا نتواند رکوع و سجود را به صورت صحیح انجام دهد، نمی‌تواند نماز را به صورت صحیح انجام دهد.

آموزه‌های دینی نیز همین مطلب را تأیید می‌کند. بر اساس آموزه‌های دینی اساس نماز بر شناخت و اعتقاد به خدا و پیامبر ﷺ و





پس از آن بر شناخت و باور به این تکلیف دینی استوار است. افزون بر این، نماز بر انگیزه و گرایش به انجام دستور خداوند متعال و نیز بر انجام رفتارهای خاص به همان صورتی که در شرع آمده، استوار است. بر اساس آموزه‌های دینی، نماز در صورتی قبول می‌شود که عمل به آن از شناخت و باور و انگیزه صحیح نشأت گرفته باشد و مطابق دستور شرع انجام شود.

بدین ترتیب، در آموزش نماز باید به هر سه بعد آن توجه داشت. در هدایت فرزندان به نماز، بایسته است شناخت و باورهای لازم، گرایش‌ها و انگیزه‌های صحیح و توانایی‌ها و مهارت‌های لازم را در آنان ایجاد کرد و پرورش داد. اصل جامعیت بدین معناست که در هدایت به نماز نباید تنها به بعد شناختی، بعد گرایشی یا بعد رفتاری بسنده کرد، بلکه باید به هر سه بعد به اندازه لازم توجه کرد و پرورش داد.

سه. اصل رفق و مدارا

رفق و مدارا یکی از اصول تعلیم و تربیت است که در آموزه‌های اسلامی بر آن بسیار تأکید شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: "أمرنی ربی بمداراة الناس، کما أمرنی بأداء الفرائض"^۱ پروردگارم مرا به مدارا کردن با مردم دستور داده، چنان‌که مرا به انجام واجبات دستور داده است. در روایت دیگری آمده است: "إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - بعث محمداً، فأمره بالصبر و

الرفق"؛^۱ خداوند عزّو جلّ محمد را برانگیخت؛ سپس او را به استقامت و رفق دستور داد. در برخی روایات به رفق با شیعیان - به ویژه - سفارش شده است: "لا تُحَمِّلُوا عَلٰی شِيعَتِنَا، و ارفقوا بهم"؛^۲ بر شیعیان ما [چیزهای سخت] تحمیل نکنید و با آنان به نرمی و ملایمت رفتار کنید.

"رفق" در لغت در چهار معنا به کار می‌رود:

۱. خوب انجام دادن يك کار، در مقابل بد انجام دادن آن؛^۲ نرم خوئی در مقابل تندخویی و شدت عمل؛^۳ میانه روی و اعتدال در انجام کار؛^۴ محکم کاری و دقت در انجام کار.

"مدارا" نیز در لغت به معنای ملاطفت و نرمی و احتیاط به کار رفته است.^۴ گرچه در کتاب‌های لغت، برای رفق دو معنای خوب انجام دادن و محکم کاری و دقت در انجام کار هم بیان شده است؛ اما بررسی کاربردهای آن در روایات نشان می‌دهد که این واژه در اکثر موارد در معنای نرم خوئی و میانه روی در انجام کار به کار رفته است و به همین جهت، مترادف با مدارا است. در زبان فارسی هم که این دو واژه با یکدیگر و به صورت ترکیبی به کار می‌رود در همین معنا به کار می‌رود. بنابراین، اصل رفق و مدارا در تعلیم و تربیت بدین معناست که "مربی، متربیان را با ملایمت و نرمی (و بدون اینکه مشکل و تکلفی

۱. همان.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۳۴.

۳. طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده رفق.

۴. همان، ذیل ماده دری.





احساس کنند) به سوی اهداف تربیتی مورد نظر هدایت کند".

اصل بنیادین رفق و مدارا در تعلیم و تربیت اقتضا می‌کند که برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود که مربی به آسانی و بدون احساس تحمیل و اکراه و اجبار، بتواند مراحل رشد و کمال را طی کند. از سوی دیگر، رفق و مدارا اصلی عام و فراگیر است که بسیاری از اصول دیگر مانند اصل تدریج، اصل تسهیل، اصل اعتدال و اصل تفرد از مصادیق آن هستند؛ چرا که رفق و مدارا در عمل جز با رعایت این اصول محقق نمی‌شود.

چهار اصل تدریج

یکی از ویژگی‌های انسان، زمانمندی اوست. شکل‌گیری جنین انسان و کامل شدن آن نیازمند گذشت نه ماه است. پس از تولد نیز رشد کامل انسان نیازمند طی حدود چهارده سال است. زمانمند و تدریجی بودن پیدایش و رشد انسان محدود به امور زیستی و تکوین اعضا و جوارح او نیست؛ بلکه شامل رفتار و گرایش و شناخت او نیز می‌شود. یادگیری رفتارها، گرایش‌ها و دانش‌ها نیز در انسان، زمانمند و تدریجی است. نماز نیز از این قاعده مستثنا نیست و یادگرفتن نماز و پایبند شدن به آن نیز نیازمند زمان است و نمی‌توان انتظار داشت به یکباره در مدت یک هفته و یک ماه فرزند ما نماز را بیاموزد و کاملاً به آن پایبند گردد.

به همین جهت، پیشوایان دینی ما به والدین دستور داده‌اند آموزش نماز به فرزند و ترغیب وی به آن را چند سال پیش از رسیدن وی به سن تکلیف شروع کنند. در روایات صادره از معصومان علیهم‌السلام سن شروع آموزش نماز از شش سالگی تا ده سالگی بیان شده است.^۱ این نشان می‌دهد بین چهار تا هشت سال برای آشنایی فرزندان با نماز و پایبندی کامل آنان به نماز وقت لازم است.

اصل تدریج بیانگر این مطلب نیز هست که در آموزش نماز به فرزندان، نباید یکباره کل نماز و معارف و مهارت‌های مربوط به آن را به فرزند ارائه کرد؛ بلکه باید آنها را به تدریج آموزش داد. برای مثال، باید نخست اصل سجده را به وی آموخت و او را رها کرد تا آن را انجام دهد. پس از مدتی باید وضو را به وی آموزش داد. پس از مدتی باید از او خواست صورت نماز را انجام دهد و رعایت شرایط نماز را از وی نخواست.

در تصریح به این مطلب در روایتی از امام صادق یا باقر علیه‌السلام نقل شده است:

"آنگاه که پسر سه ساله شد به او می‌گویند هفت بار بگو: "لا

۱. داودی، سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام، ج ۲، تربیت دینی، [بحث ضمیمه آموزش نماز، روایات دسته دوم]

۲. این تردید در خود روایت است.





إله إلا الله". وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزه شد، به او می‌گویند: هفت بار بگو: "محمد رسول الله". وقتی چهار ساله شد به او می‌گویند: هفت بار بگو "صلى الله على محمد و آل محمد". آنگاه که پنج سالش تمام شد از او می‌پرسند: دست چپ تو کدام و دست راست تو کدام است؛ اگر جواب صحیح داد او را رو به قبله می‌کنند و می‌گویند: سجده کن و رهائش می‌کنند تا شش ساله شود. زمانی که شش سالش تمام شد، رکوع و سجود را به او می‌آموزند و به نمازش و او می‌دارند تا هفت ساله شود. وقتی هفت سالش تمام شد به او می‌گویند: دو دست و صورتت را بشوی، آنگاه به او می‌گویند: نماز بخوان، تا نه سالش تمام شود. در آن هنگام، وضو به او می‌آموزند و برای آن او را می‌زنند، و نماز را به او می‌آموزند و بر آن او را می‌زنند.^۱ هرگاه وضو و نماز را آموخت، خداوند والدینش را مشمول رحمت خود می‌کند.^۲

پنج. اصل تسهیل

انسان موجودی است با استعدادها و توانایی‌ها و قابلیت‌های شگرف. این قابلیت‌ها و توانایی‌ها در ابتدای تولد انسان هنوز به فعلیت

۱. معنای این روایت جواز تنبیه بدنی در آموزش نماز است. اما استفاده از آن شرایطی دارد که در فصل چهارم به تفصیل در باب آن بحث شده است.
۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۴.

نرسیده‌اند و به فعلیت رسیدن و شکوفا شدن آنها تدریجی و نیازمند فراهم آمدن زمینه‌های مناسب و تلاش و کوشش است. خود این تلاش‌ها و کوشش‌ها نیز در صورتی به نتیجه مطلوب می‌انجامد و نهال انسان را به مرحله ثمردهی می‌رساند که متناسب با توانایی‌ها و استعدادهای وی باشد.

آموزش نماز به کودکان و نونهالان نیز فعالیت و کوششی است به منظور به فعلیت رساندن فطرت الهی و خداپرستی که خداوند حکیم و دانا در وجود انسان به ودیعه گذاشته است. این فعالیت در صورتی استعداد خداپرستی فطری در انسان را شکوفا می‌کند که متناسب با توانایی‌ها و استعدادهای انسان باشد. اگر خواسته‌های مربی از مربی نخواست به بیش از توان او باشد، او را زمین‌گیر کرده و قامت کوچکش را در زیر بار سنگین خواسته‌های بیش از توانش خم می‌کند و مجال قد راست کردن و سربرافراشتن به وی نمی‌دهد. در مقابل، اگر خواسته‌های مربی بسیار اندک و ناچیز باشد، رشد وی را در فضای خواسته‌های اندک خود محدود می‌کند و او را از سربرافراشتن و دستیافتن به اوج رشد و کمال بازمی‌دارد. از این رو، معصومان علیهم‌السلام در آموزش نماز به کودکان، توانایی و ظرفیت آنها را در نظر می‌گرفتند و در آموزش نماز بر آنان سخت نمی‌گرفتند و آنان را از رعایت بسیاری از اعمال و آداب نماز معاف می‌کردند؛ هرچند پایبندی به همان اعمال و آداب را از بزرگسالان می‌خواستند. بر پایه شمار فراوانی از روایات،





ائمہ علیہ السلام به کودکان دستور می دادند نماز ظهر و عصر و نیز نماز مغرب و عشا را با هم بخوانند، در حالی که بزرگسالان این چهار نماز را در چهار وقت جداگانه می خواندند. فضیل بن یسار می گوید:

"علی بن حسین علیہ السلام به کودکان دستور می داد، نماز مغرب و عشا را با هم بخوانند و می فرمود: این بهتر از آن است که بخوابند و نماز عشاى آنان قضا شود".^۱

همچنین روایت شده است:

"امام زین العابدین علیہ السلام کودکانی را که نزد او بودند و او می داشت تا نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را در يك وقت بخوانند. به او اعتراض شد و ایشان فرمود: این کار برای آنان سبک تر است و بهتر به انجام آن می شتابند و موجب می شود نماز را ضایع نکنند و نخوابند [تا نماز آنان قضا شود] و به کار دیگری مشغول نشوند".^۲

۱. عن الفضیل بن یسار قال: "كان علی بن الحسین علیہ السلام یأمر الصبیان یجمعون بین المغرب والعشاء ویقول: هو خیر من أن یناموا عنها" (کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۰۹).

۲. "عن علی بن الحسین علیہ السلام أنه كان يأخذ من عنده من الصبیان بأن یصلّوا الظهر والعصر فی وقت واحد، والمغرب والعشاء فی وقت واحد. فقیل له فی ذلك، فقال: هو أخفّ علیهم، واجدر أن یسارعوا إلیها؛ ولا یضجعوها ولا یناموا عنها ولا یشتغلوا" (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

شش. اصل اعتدال

اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط یکی از مصادیق اصل رفق و مداراست. افراط و تفریط خواه از طرف متربی و فرزند خواه از طرف مربی و والدین هر دو مذموم است. امیرالمؤمنین علیه السلام افراط و تفریط را نشانه جهالت تلقی می‌کند و می‌فرماید: "لا تری الجاهل إمّا مُفْرِطاً أو مُفْرِطاً"؛ نادان یا افراط و زیاده‌روی می‌کند یا تفریط و کوتاهی. انسان افراط‌کار مانند راننده‌ای عصبانی و عجل است که وسیله نقلیه‌اش بر اثر فشار زیاد معیوب می‌شود و خود وی نیز به مقصد نمی‌رسد و چه بسا در میانه راه به واسطه سرعت زیاد از جاده راست منحرف شده، خود و وسیله‌اش را نابود کند.

در عبادات و به‌ویژه نماز نیز اسلام همین قاعده را جاری دانسته و پیروان خود را از افراط برحذر داشته است؛ چرا که افراط در عبادت، بخصوص اگر افراط‌کار در ابتدای مسیر عبادت باشد، موجب دلزدگی و در نهایت رویگردانی از عبادت می‌شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سفارشی به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

"یا علی، ... عبادت پروردگارت را بر خودت ناخوشایند مکن که افراط کار نه پستی [سالم برای مرکبش] باقی می‌گذارد و نه راهی می‌پیماید".^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: "قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ ... وَلَا تَبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ





امام صادق علیه السلام فرمود:

"در جوانی بسیار عبادت می کردم. پدرم علیه السلام به من فرمود: پسرم، کمتر از این که می بینم عبادت کن که خداوند عز و جل هرگاه بنده ای را دوست بدارد، به اندک عمل او هم راضی می شود."^۱

بدین ترتیب، اصل اعتدال اقتضا می کند والدین فرزندان خود را از افراط در نماز بازدارند، چنان که اقتضا دارد از تفریط و بی توجهی و اهمیت ندادن به آن نیز بازدارند.

افزون بر این، اصل اعتدال اقتضا می کند که والدین انتظاراتی بیش از اندازه از فرزند خود نداشته باشند؛ زیرا انتظار بیش از اندازه، به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، چنان که در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است، موجب خستگی و دلزدگی و در نهایت بی میلی و بی علاقه فرزند به نماز شده، او را از نماز دور می کند و چه بسا به ترك نماز بینجامد. انتظار بیش از اندازه دو پیامد منفی دارد: اگر فرزند مطابق انتظار والدین عمل کند، از نماز بیزار و دلزده می شود و اگر مطابق نظر آنان عمل نکند، موجب ناراحتی والدین و تنش میان آنها می شود؛ این تصور در فرزند به وجود می آید که در عمل به وظایف

فَإِنَّ الْمُنْبْتَ يَعْنِي الْمُفْرِطَ لَا ظَهْرًا أَبْقَى وَ لَا أَرْضًا قَطَعَ" (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۷).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام :: "اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنَا شَابٌّ فَقَالَ لِي أَبِي علیه السلام يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ" (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۷).

دینی اش کوتاهی می کند و همین موجب می شود اعتماد به نفس فرزند ضعیف گردد. از سوی دیگر، والدین نباید سطح انتظارات خود را بسیار پایین بیاورند که نتیجه آن سهل انگاری و بی توجهی به نماز یا ترك نماز خواهد بود.

هفت. اصل تفرد

یکی از سنت های الهی در جهان هستی این است که موجودات زنده هر چند از يك نوع باشند و ویژگی های مشترکی با یکدیگر داشته باشند، کاملاً شبیه یکدیگر نیستند و هر يك از آنها تفاوت های خاصی با یکدیگر دارند که آنها را از دیگر موجودات آن نوع متمایز می کند. انسان هم از این قاعده استثنا نیست و افراد در کنار شباهت ها و اشتراکات فراوان، تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند. حتی دو برادر یا خواهر نیز کاملاً شبیه یکدیگر نیستند و در خصوصیات بدنی و روحی تفاوت هایی با یکدیگر دارند. این همان اصل تفرد است. هر انسان، انسانی منحصر به فرد است با ویژگی های جسمی و روحی خاص خود که او را از دیگر انسان ها جدا می کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: "النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ"؛ "مردم معدن هایی همانند معدن طلا و نقره اند [و با یکدیگر متفاوتند]". اصل تفرد اقتضا می کند که در دعوت فرزندان به نماز این تفرد را لحاظ کنیم و برای دعوت هر فرزند از شیوه ها و روش ها و فنونی استفاده کنیم که با خصوصیات او سازگارتر است.





هشت. اصل هماهنگی

هماهنگی در خانواده نقش مهمی در هدایت فرزندان به نماز دارد. هماهنگی مورد نظر دو گونه است: گونه نخست هماهنگی پدر و مادر با یکدیگر و گونه دوم هماهنگی رفتار و گفتار پدر و مادر در دعوت فرزندان به نماز است.

هماهنگی نوع اول از این جهت مهم است که به فرزندان این پیام مهم را ارسال می‌کند که از نظر والدین، نمازیکی از وظایف مهم و واجب دینی؛ است و هیچ شك و تردیدی در آن راه ندارد و آنان، يك فرد مسلمان و موظفند نماز را بخوانند؛ تخلف از این نه تنها تخلف از دستور دینی است، بلکه تخلف از خواست والدین و موجب رنجش آنان است و موجب بی‌توجهی والدین به آنان خواهد شد.

اما اگر والدین در دعوت به نماز با یکدیگر هماهنگ نباشند، تلاش آنها در این زمینه بی‌اثر یا کم‌اثر می‌شود. برای مثال، یکی بر آن بسیار تأکید کند، ولی دیگری بر آن تأکید نداشته باشد؛ یا یکی از آن دو بیدار شدن در هنگام اذان صبح را برای ادای نماز صبح ضروری بداند و دیگری با آن مخالفت کند. این ناهماهنگی پیامش برای کودک این است که اولاً معلوم نیست آنچه والدین از او می‌خواهند از نظر آنها ضروری و اطاعتش لازم باشد؛ چرا که این دو با یکدیگر اختلاف دارند؛ ثانیاً معلوم نیست خواسته والدین خواسته دین هم باشد و به همین

جهت، راه برای سرپیچی از خواسته والدین برای فرزند باز می‌شود. به عبارت دیگر، اختلاف و ناهماهنگی والدین در دعوت فرزند به نماز مشروعیت و مقبولیت دعوت آنها را در ذهن فرزند از میان می‌برد و همین مانع بزرگی در پذیرش آن است.

هماهنگی نوع دوم (هماهنگی گفتار و رفتار والدین) که تعبیر دیگری از عامل بودن والدین به گفته‌های خود است، در هدایت به نماز بسیار تأثیرگذار است و در آموزه‌های اسلامی بر آن بسیار تأکید شده است. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: "مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ ...";^۱ کسی که خود را در جایگاه راهنما و معلم دیگران قرار داده است باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد مطابق این روایت، هر کسی که می‌خواهد به تعلیم و تربیت دیگران بپردازد و به آنان بگوید چه انجام دهند یا ندهند، پیش از آن باید خود به آن باید و نبایدها عمل کرده باشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

"كونوا دعاة الناس بغير ألسنتكم ليروا منكم إلهتهدا و الصدق و الورع"^۲ مردم را دعوت کنید اما نه با زبانتان؛ تا مردم از شما تلاش و کوشش و راستی و تقوا ببینند.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵۶.

۲. همان، ج ۶۷، ص ۳۰۹.





نیز از ایشان روایت شده که فرمود:

"إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بَعْلَمَهُ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا تَزُلُ الْمَطَرُ عَنِ الصِّفَا"؛^۱ هرگاه عالم به علم خود عمل نکند، موعظه‌اش در دل‌ها نفوذ نمی‌کند چنان‌که باران بر سنگ صاف می‌لغزد و در آن نفوذ نمی‌کند.

والدینی که به گفته‌های خود عمل نمی‌کنند، با زبان عمل و رفتار خود، که مؤثرتر از زبان گفتار است، به فرزند خود این پیام را می‌دهند که "ما به حقانیت و درستی آموزه‌های خود اعتقادی نداریم!" طبیعی است که گفتار آنان در قلب و جان فرزندان مؤثر نخواهد افتاد، گرچه هزاران دلیل منطقی برای اثبات صحت گفته‌های خود اقامه کنند. به عبارت دیگر، این والدین دو پیام متناقض به فرزندانشان می‌دهند. از یک سو به زبان می‌گویند سخنان و خواسته‌های آنها واقعی و حقیقی است و به آن باور دارند. از سوی دیگر، در همان زمان به زبان رفتار، که مؤثرتر هم هست، به آنان می‌گویند این سخنان و خواسته‌ها واقعی و حقیقی نیست و به آن باور ندارند. طبیعی است که فرزند از چنین والدینی تأثیر نپذیرد.

نه. اصل تداوم و استقامت

مداومت و استقامت در دعوت و تربیت، سیره انبیای الهی و نشأت گرفته از سفارش‌های مکرر خداوند به آنهاست. "فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مِنْ

تاب معك^۱. این امر به ویژه در مورد نماز، اهمیت و ضرورت بیشتری می یابد؛ زیرا چنان که پیش از این گفتیم، یادگیری نماز و تثبیت و درونی شدن آن در فرزندان نیازمند گذشت زمان است و با يك روز و يك هفته و يك ماه به سرانجام نمی رسد. بنابراین، والدین باید در هدایت فرزندان به نماز خود را برای فعالیتی پیوسته آماده سازند و روشن است که فعالیت مداوم و پیوسته نیاز به استقامت و پایداری دارد.

ده. اصل کرامت

در میان مخلوقات الهی، خداوند به انسان عنایت ویژه داشته، استعدادها و توانایی های ویژه ای به او عطا کرده که برجسته ترین آنها عقل و اختیار است. آنچه انسان را از دیگر موجودات متمایز کرده و به او این امکان را داده است که بتواند در مسیر رشد و کمال، گوی سبقت را از همه موجودات این جهانی و حتی فرشتگان مقرب الهی بریابد، عقل و اختیار است. "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"^۲ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آنان را بر مرکب های آبی و صحرایی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری افزون دادیم. بدین ترتیب، انسان به واسطه برخورداری از عقل و اختیار دارای کرامت است و بر دیگر موجودات برتری دارد.

۱. هود: ۱۱۲.

۲. اسراء: ۷۰.





اصل کرامت بیانگر آن است که والدین و معلمان و مربیان باید فرزند و مربی خود را گرامی و کرامتش را پاس بدارند. دستور پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز همین است: "اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرْ لَكُمْ"؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و نیکو تربیتشان کنید تا آمرزیده شوید. والدین حق ندارند حتی در مقام تربیت فرزند خود، او را تحقیر و کرامت انسانی او را لگدمال کنند. بنابراین، والدین در هدایت فرزندشان به نماز باید به گونه ای عمل کنند که شخصیت و احترام و کرامتشان حفظ شود.

یازده. اصل نظارت و مراقبت

نماز تکلیفی است که هر مسلمان در شبانه روز موظف است پنج بار آن را انجام دهد و افزون بر این، هم مشتمل بر ذکر و قرائت است و هم مشتمل بر اعمال و افعال و به همین سبب، آموختن نماز و تثبیت پایبندی عملی به آن، فرایندی دشوار و تدریجی و زمان بر است و نمی توان انتظار داشت که کودک یک روزه یا یک ماهه با نماز آشنا و به آن پایبند گردد. بدیهی است که مربی در طول مدت آموزش باید در مراقبت باشد.

بهترین افراد برای مراقبت از نماز فرزندان والدین هستند که در مقایسه با دیگران نسبت به فرزندان خود هم دلسوزترند و هم امکانات

و فرصت بیشتری در اختیار دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

"پیامبر صلی الله علیه و آله با آنکه بشارت رفتن به بهشت را از خداوند دریافت کرده بود، خود را برای نماز به رنج می افکند؛ چون خدای سبحان به او فرموده بود: "خانواده ات را به نماز فرمان ده و بر آن شکبیا باش". از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله خانواده خود را به نماز فرمان می داد و خود نیز در راه اقامه آن بردباری می کرد.^۱

بر اساس برخی روایات، هنگامی که آیه ۱۳۲ سوره طاهّا "وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا" نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله مدت نه ماه هنگام اوقات نماز، بر در منزل حضرت فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام می آمد و آنان را به نماز فرامی خواند.^۲ بنابراین، یکی از اصول هدایت فرزندان به نماز، نظارت و مراقبت است؛ اما از آنجا که درباره شیوه های نظارت و مراقبت پیش از این بحث کرده ایم، در اینجا از تکرار آنها خودداری می کنیم.

۱. "وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَبِيًّا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ لَهُ بِالْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ" (نهج البلاغه، ص ۳۱۶).

۲. "وَ أَمَّا الثَّانِي عَشْرَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا فَخَصْنَا اللَّهَ بِهَذِهِ الْخُصُوصِيَّةِ أَنْ أَمَرَنَا مَعَ الْأُمَّةِ بِإِقَامَةِ الصَّلَاةِ ثُمَّ خَصَّنَا مِنْ دُونِ الْأُمَّةِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَجِيءُ إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ بَعْدَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ تَسْعَةَ أَشْهُرٍ كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ حُضُورِ كُلِّ صَلَاةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَيَقُولُ الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ" (شیخ صدوق، امالی، ص ۵۳۳).





فصل چهارم

روش‌ها و راهکارهای عام در دعوت به نماز

دعوت دیگران به نماز، راهکارها و روش‌هایی دارد. در این فصل روش‌های کلی و عام دعوت دیگران به نماز را بررسی خواهیم کرد.